



پوهنتون سلام
SALAM UNIVERSITY

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

فساد و مفسدین از دیدگاه قرآن کریم رساله ماستری

محصله: یلدا حیدری

استاد رهنما: دوکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی

سال تحصیلی: ۱۳۹۹ هـ ش



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

فساد و مفسدین از دیدگاه قرآن کریم

رساله ماستری

محصله: یلدا (حیدری)

استاد رهنما: دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی

سال تحصیلی: ۱۳۹۹ ه ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون اسلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دپارټمنت تفسیر و حدیث

بورډ ماسټری

تصدیق نامه

محترمه پلدا بنت محمد ناصر: ID نمبر SH-MST-94-103 محصله دور اول تفسیر و حدیث که
 رساله ماسټری خویش را زیر عنوان: فسد و مفسدین از دیدگاه قرآن
 په روز یکشنب تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس
 بررسی هیات تحکیم مستحق ۷۷ (نمره به عدد) جستاد و هفت (نمره به حرف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

| ردیف | نام استاد | عضویت | امضاء |
|------|-------------------------------|------------------------------|-------|
| ۱ | دکتور فضل الهادی وزین | عضو هیات | |
| ۲ | دکتور عبدالباری حمیدی | عضو هیات | |
| ۳ | دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی | استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع | |

معاون علمی

آمر بورډ ماسټری

اهداء

اهداء به پدر و مادرمهربانم که هر لحظه با من همکاری نمودند .
و همواره مرا بر یادگیری علم و تعلیم سبب شده اند، این احسان ایشان را هرگز فراموش نخواهم کرد.
از ذات الله تعالی برای ایشان طول عمر با خیر برکت و مطابق رضایت الهی با حسن خاتمه خواهانم و در
آخرت فردوس برین برایشان استدعا دارم .

سپاسگزاری

بعد از ثنا و ستایش الله تبارک و تعالی و درود بی پایان بر نبی رحمت محمد رسول الله صلی علیه وسلم لازم است تا از اداره ماستری پوهنتون سلام و تمام اساتید محترم که در نوشتن این رساله از همکاری‌های فراوان‌شان دریغ نفرمودند، اظهار سپاس و امتنان نمایم. به ویژه از استاد فاضل و دانشمند پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی که با لطف و عطوفت و مهربانی زحمات زیادی را متقبل شده و رهنمایی بنده را به دوش گرفته و از خلوص نیت در ترتیب و تهیه پایان نامه هذا بنده را همکاری نمودند با کمال احترام اظهار شکران نموده و سعادت دنیوی و اخروی‌شان را از الله متعال خواهانم.

چکیده

فساد یکی از موضوعات غیر قابل انکار در جوامع انسانی بوده و وجود مفسدین در اجتماع باعث ناامن ساختن جامعه انسانی و اسلامی می‌شود. از همین رو، الله متعال بعد از ذکر مذمت فساد مفسدین در قرآن کریم، راه های معالجه و مبارزه با فساد و مفسدین را بیان نموده و در ضمن، عذاب های سخت دنیوی و اخروی را برای شان در نظر گرفته است. قرآن کریم برای عبرت مسلمانان، روزگار مفسدان گذشته امثال: قارون، فرعون، نمرود و غیره را به تصویر کشیده و سرانجام بد آن ها را بیان داشته است. نوشته کنونی، تلاش اندکی است برای بازتاب مفهوم «فساد» و «مفسدین» در منظومه فکری قرآن کریم. در این سطور، سعی کرده ام که بحث پیرامون این موضوع را به شکل ذیل به رشته تحریر درآورم:

در فصل نخست در رابطه به کلیات، اسباب و پیامدهای فساد ذکر نموده ام.

در فصل دوم انواع فساد را مفصلاً ذکر نموده ام.

در فصل سوم صفات مفسدین را بیان نموده ام و همچنان نمونه های از آن را ذکر نموده ام. در فصل پایانی روش قرآن کریم در مبارزه با فساد و مفسدین را بیان نموده، و در اخیر، مهم ترین نتایجی را که از لابلای این بحث بدان دست یافته ام، بیان نمایم. **إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت!**

کلیدواژه‌ها: فساد، مفسدین، تفسیر موضوعی.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| 11 | مقدمه |
| 15 | اهداف تحقیق |
| 19 | فصل اول |
| 19 | تمهید، اسباب و پیامدهای فساد |
| 19 | مبحث اول : کلیات |
| 19 | مطلب اول : مفهوم لغوی فساد |
| 20 | مطلب دوم مفهوم اصطلاحی فساد |
| 21 | مبحث دوم : فساد؛ معانی و مفاهیم آن در قرآن کریم: |
| 21 | مطلب اول- کلمه فساد در قرآن کریم: |
| 27 | مبحث سوم : اسباب فساد از دیدگاه قرآن کریم |
| 28 | مطلب اول : عقیده به تعدد معبود |
| 28 | مطلب دوم : ترک جهاد در راه الله متعال |
| 31 | مطلب سوم: فساد پادشاهان |
| 32 | مبحث سوم : پیامدهای فساد |
| 32 | مطلب اول : انحراف در برخورد و رفتار |
| 34 | مطلب دوم: قتل و خونریزی |
| 35 | مطلب سوم : گسترش بی بند و باری |
| 36 | مطلب چهارم : نا امنی |
| 37 | مطلب پنجم : قحطی و خشکسالی |
| 38 | مطلب ششم: تخریب و ازدیاد حوادث |
| 41 | فصل دوم |

| | | |
|----|-------|--|
| 41 | | انواع فساد |
| 41 | | مبحث اول : فساد در نیت |
| 41 | | مطلب اول : تعریف نیت |
| 43 | | مطلب دوم : برخی از آیات قرآن کریم در مورد |
| 45 | | مبحث دوم : فساد در عقیده |
| 45 | | مطلب اول : فساد در باورهای مربوط به الهیات |
| 47 | | مطلب دوم : فساد در باورهای مربوط به نبوات |
| 51 | | مطلب سوم : فساد در باورهای مربوط به سمعیات |
| 54 | | مبحث سوم : فساد در رفتارهای روزمره |
| 54 | | مطلب اول : فساد در معاملات |
| 57 | | مطلب دوم : فساد در گرایشها و تمایلات |
| 60 | | فصل سوم |
| 60 | | صفات مفسدین و نمونه های بارز آنان |
| 60 | | مبحث اول : صفات مفسدین |
| 60 | | مطلب اول : صفات تجاوزگرانه |
| 65 | | مطلب دوم : صفات اجتماعی |
| 67 | | مبحث دوم : نمونه های مفسدین |
| 67 | | مطلب اول : افرادی که به فساد مشهور اند |
| 73 | | مطلب دوم : ملت هایی که به فساد مشهور اند |
| 77 | | فصل چهارم |
| 77 | | روش قرآنکریم در مبارزه با فساد |
| 77 | | مبحث اول : اصلاح فساد با تربیت |
| 77 | | مطلب اول : دعوت به ایمان آوردن به الله تعالی |
| 82 | | مطلب دوم : مراقبت و ذکر الله تعالی |

| | |
|---------|--|
| 84 | مطلب سوم : امید به روز آخرت |
| 84 | مطلب چهارم : تزکیه نفس |
| 87 | مطلب پنجم : امر به معروف و نهی از منکر |
| 90 | مطلب ششم : توبه کردن |
| 92 | مبحث دوم : اصلاح فساد با مجازات |
| 92 | مطلب اول : مجازات مفسدان در دنیا |
| 96 | مطلب دوم : مجازات مفسدان در آخرت |
| 99 | نتیجه گیری |
| 100 | پیشنهادات |
| 101 | فهرست آیات |
| - 107 - | فهرست احادیث |
| - 109 - | فهرست منابع |
| - 113 - | خلاصه مبحث به زبان انگلیسی: |

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين و
على آله وصحبه أجمعين

اما بعد:

ذات الله تبارک و تعالی را سپاسگذارم که توفیق داد تا قلم بردارم و پایان نامه ماستری
خویش را در رشته تحریر در بیاورم .

الله تبارک و تعالی مهربانی میکند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾¹

ترجمه): ای کسانی که ایمان آورده اید! آنگونه که شایسته است از الله بترسید و مرگ، شما را
درنیابد مگر اینکه مسلمان باشید.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا
كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾²

ای مردم! از پروردگارتان بترسید؛ آن پروردگاری که شما را از یک نفس آفرید و همسر او را
از خود آن نفس، خلق نمود و از آن دو، مردان و زنان بسیاری بیافرید، و از آن الله بترسید که
یکدیگر را به او سوگند می دهید و از نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی، پرهیز کنید؛ همانا الله،
مراقب شما است).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾³

۱/ آل عمران / ۱۰۲

۲/ النساء / ۱

۳/ احزاب / ۷۱/۷۰

ترجمه: ای مومنان! از الله بترسید و سخن حق و درست بگویید؛ (در نتیجه) الله اعمالتان را اصلاح می‌نماید و گناهان شما را می‌آمرزد. و هرکس که از الله و پیامبرش، اطاعت کند، قطعاً به کامیابی بزرگی می‌رسد.

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾⁴

در روی زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

الله متعال را سپاس و حمد می‌گوییم که همه ما را مسلمان خلق نموده و امت بهترین خاتم انبیاء محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم گردانید تا باشد در تحت سایه رحمتش باشیم. نصوص قاطعی را که الله متعال جهت عمل کردن انسانها و مسلمانان در قرآن کریم بیان داشته است همه مایه هدایت و سلامت بشر است و همواره در جامعه انسانی امنیت و عدالت را استوار می‌نماید.

اهمیت موضوع

بدون شک فساد یکی از پدیده‌های شومی است که الله متعال در نصوص قرآنی و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در احادیث نبوی و علما و دانشمندان در گفتارهای خویش فساد را بیان داشته‌اند و بر علیه آن حکم صادر نموده‌اند و فساد وسیله نا امن ساختن جامعه انسانی می‌باشد که در بخش‌های دیگر به شرح این مسأله و به بحث همه جانبه روی آن می‌پردازیم. ما منحیث مسلمان نیاز داریم که در رابطه به فساد و مفسدین، موضوعیکه قرآن کریم به آن ترکیز نموده است معلومات کافی داشته باشیم تا از رهنمود آن استفاده نمائیم و در زندگی عملی خویش آنرا عملی نمائیم.

با درک شرایط کنونی جامعه خویش، مناسب دیدم تا این موضوع را مورد تحقیق و بررسی قرار دهم، تا حد اقل مسؤولیت ایمانی و علمی خویش را منحصراً دانشجوی شرعیات ادا نمایم.

طرح مسئله

فساد و مفسدین موضوعی است قرآن کریم در آیات متعدد از آن یاد نموده است و در کنار آن آیات دیگری را بیان داشته است که در رابطه به صلاح و مصلحین میباشد. قرآن کریم تنها فساد را رد نه نموده است بلکه بخاطر اصلاح آن راه های حل مناسبی را بیان داشته است و برای مسلمانان امر فرموده است که جهت اصلاح فساد و مفسدین از دستورات قرآن کریم استفاده نمایند. امر به معروف و نهی از منکر طریقه قرآنی مبارزه با فساد است، تقویت ایمان، احساس مسؤولیت اجتماعی و پیروی از حاکمان عادل از جمله راهکارهایی است که الله متعال در قرآن کریم برای مبارزه با فساد در جامعه بیان نموده است. اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه زنده نشود و احساس مسؤولیت اجتماعی نیز تقویت نگردد به گونه ای که مردم بی تفاوت از کنار مفاصد بگذرند، فساد در جامعه رشد می کند.

ازینرو با مشوره با اداره محترم ماستری، استادان گرامی ام و اهل علم و دانش به این نتیجه رسیدم تا اسم پایان نامه مرحله ماستری ام **فساد و مفسدین از دیدگاه قرآن کریم** انتخاب نمایم که ان شاء الله طبق توانایی خویش این رساله را به غنای برسانم و به پایه اکمال برسانم، از الله متعال توفیق تحریر این رساله را خواهانم.

اسباب اختیار موضوع

دلایل و اسبابی که باعث شد تا فساد و مفسدین از دیدگاه قرآن کریم را عنوان پایان نامه مرحله ماستری خویش انتخاب نمایم قرار ذیل اند:

- رفع مسؤولیت ایمانی و انسانی ما در قبال فساد گسترده که در جامعه ما وجود

دارد.

- عدم آگاهی افراد مجتمع ما در مورد عذاب و عقابی که الله متعال برای مفسدان در نظر گرفته است که هم در دنیا عاید حالشان میشود و هم در آخرت.
- موجود بودن بیش از حد انواع فساد در جامعه اسلامی و بخصوص جامعه افغانی ما.
- موجودیت تعداد زیادی از مفسدین و افزایش تعداد آنان در جوامع اسلامی.

سوالات تحقیق

1. فساد چیست؟
2. مفسدین کی ها اند؟
3. موقف قرآن کریم در مقابل فساد و مفسدین چیست؟

پیشینه تحقیق

فساد موضوعی است در قرآن کریم به شکل آشکار در آیات متعددی از آن یاد آوری شده است و نیز مفسدین موضوعی است که در قرآن کریم به شکل زیاد وجود دارد و انواع فساد و مفسدین نیز بیان شده است.

تحقیقات زیادی در رابطه به فساد در جامعه صورت گرفته است و نیز در مورد مفسدین هم تحریراتی صورت گرفته که از آنجمله مقاله ی تحت عنوان الفساد و المفسدین؛ دراسة قرآنیة موضوعیة از ضیائی نعمانی السوسی در پوهنتون غزه ی فلسطین میباشد و برخی از مقالات خورد و بزرگ دیگر نیز تحریر شده که باتاسف باید گفت که به شکلی که باید واضح و همه جانبه تحریر میگردد تحریر نگردیده و نیاز دانستیم تا این موضوع را به عنوان رساله ماستری خویش انتخاب نمایم تا باشد فساد و مفسدین و همه جوانبی که مربوط به فساد و مفسدین میشود را تحت تحقیق قرار دهیم .

روش تحقیق

در این رساله از روشهای تحقیقی توصیفی و موضوعی استفاده نموده ام و تلاش صورت گرفته است تا موضوعات متذکره در این رساله قابل فهم و با وضاحت کامل بوده باشد.

- آیات قرآن کریم به شیوه رسم الخط عثمانی تحریر گردیده است.
- احادیثی که در این رساله تحریر گردیده تخریح گردیده و احادیث صحیح میباشد.
- تلاش صورت گرفته است که در ترجمه آیات قرآن کریم به تفسیر نور از دوکتور مصطفی خرم دل اعتماد شود.
- نظریاتی که از علما و دانشمندان ذکر گردیده است مرجع آن نیز معتبر بوده و در پاورقی تحریر گردیده است.
- واژه های و یا کلماتی که در این رساله از آنها یاد شده است ، معنی آن نیز از مراجع معتبر لغت استخراج گردیده است.
- نظریات خویش را در رساله هذار نیز گنجانیده ام که دراکثراً در اخیر هر مبحث و مطلب و موضوع قابل مشاهده میباشد.
- معرفی اعلام از کتاب بزرگ «سیر أعلام النبلاء» از امام ذهبی رحمه الله که قابل قبول تمام علمای اهل سنت است نقل گردیده است.

اهداف تحقیق

1. بیان فساد و موضوعاتی که در شریعت اسلامی به آن فساد گفته شده است
2. بیان صفات مفسدین و شناخت اشخاصیکه مفسد شمرده میشوند
3. بیان طرق اصلاح مفسدان
4. بیان عواقب فساد کننده گان

سازماندهی تحقیق

این رساله دارای یک مقدمه و چهار فصل میباشد که هر فصل به بحث و هر بحث به مطالب و مطالب به موضوعات و فروعات تقسیم بندی شده است که خطه آن قرار ذیل میباشد.

فصل اول

کلیات ، اسباب و پیامدهای فساد

مبحث اول : کلیات

مطلب اول : مفهوم لغوی فساد

مطلب دوم مفهوم اصطلاحی فساد

مطلب سوم : کلمه فساد در قرآن کریم

مبحث دوم : اسباب فساد از دیدگاه قرآن کریم

مطلب اول : پیروی از خواسته های نفس

مطلب دوم: عقیده به تعدد معبود

مطلب سوم : ترک جهاد در راه الله متعال

مطلب چهارم: برتری خواهی و سرکشی

مبحث سوم : پیامدهای فساد

مطلب اول : انحراف در برخورد و رفتار

مطلب دوم: قتل و خونریزی

مطلب سوم : گسترش بی بند و باری

مطلب چهارم: نا امنی

مطلب پنجم : قحطی و خشکسالی

مطلب ششم: تخریب و ازدیاد حوادث

فصل دوم

انواع فساد

مبحث اول : فساد در نیت

مطلب اول : تعریف نیت

مطلب دوم : برخی از آیات قرآن کریم در مورد فساد و نظریات دانشمندان در مورد نیت

مبحث دوم : فساد در عقیده
مطلب اول : فساد در عقیده به الهیات
مطلب دوم : فساد در عقیده به نبوات
مطلب سوم : فساد در عقیده به سمعیات
مبحث سوم : فساد در رفتار به اخلاقیات
مطلب اول : فساد در معاملات
مطلب دوم : فساد در گرایشها و تمایلات

فصل سوم

صفات مفسدین و نمونه های بارز آنان
مبحث اول : صفات مفسدین
مطلب اول : صفات تجاوزگرانه
مطلب دوم : صفات اجتماعی
مبحث دوم : نمونه های فساد
مطلب اول : افرادی که به فساد مشهور اند
مطلب دوم : ملت هایی که به فساد مشهور اند

فصل چهارم

روش قرآن کریم در مبارزه با فساد
مبحث اول : اصلاح فساد با تربیت.
مطلب اول : دعوت به ایمان آوردن به الله تعالی
مطلب دوم : مراقبت و ذکر الله تعالی
مطلب سوم : امید به روز آخرت
مطلب چهارم : تزکیه نفس
مطلب پنجم : امر به معروف و نهی از منکر
مطلب ششم : توبه کردن

مبحث دوم : اصلاح فساد با مجازات
مطلب اول : مجازات مفسدان در دنیا
مطلب دوم : مجازات مفسدان در آخرت

نتیجه گیری

پیشنهادات

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

فهرست منابع

فصل اول

تمهید، اسباب و پیامدهای فساد

مبحث اول : کلیات

فساد یکی از پدیده‌های است که همواره در جوامع انسانی مورد بحث بوده و حقیقتاً وجود دارد، هیچ جامعه انسانی در سراسر جهان وجود ندارد که در آن به نحوی از انحاء فساد وجود نداشته باشد، بخصوص جامعه اسلامی ما که باید از فسادها مبرا باشد بد بختانه با فسادهای گوناگون دست و پنجه نرم میکنند، در این مبحث خواستیم تا چیستی فساد را به معرفی گیریم تا فساد را در لغت و در اصطلاح دانسته و بعد روی موارد دیگر بحث مفصل خواهیم داشت

مطلب اول : مفهوم لغوی فساد:

کلمه فساد یک کلمه عربی است و در دستور زبان عربی بحیث مصدر، اسم مصدر و اسم کار برد دارد؛ معنی مصدری این کلمه در زبان دری متلاشی شدن، از بین رفتن، تباه شدن، خراب کردن می باشد،⁵ معنی اسم مصدری آن تباهی، خرابی، نابودی، ستم، شرارت و ... است و معنی اسمی آن فتنه، آشوب، کینه، لهو و لعب، دشمنی، انحراف،⁶ تباهی، بداخلاقی، مصیبت، بدنامی، قلمه، پیوند، پیوند گیاه، گیاه پیوندی، پیوند بافت، تحصیل پول و مقام و غیره از راههای نادرست، سوء استفاده، اختلاس، پیوند زدن، بهم پیوستن، از راه نادرستی تحصیل کردن. معرفی گردیده است.⁷

⁵ عمید، حسن، فرهنگ عمید، موسسه انتشارات امیر کبیر، 1379، ص 318

⁶ الکبیس، د.عامر "الفساد و العولمة تزامن لا توأمة". ناشر دارالکتب العلمیه بیروت، چاپ 2005 م، ص 8ط
⁷ ابن-منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: مکتب التحقیق التراث، بیروت، داراحیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، 1416 ق. ج 3 ص 335

مُفسِد: کلمه مفسد در دستور زبان عربی به عنوان (اسم فاعل) کننده کار بکار می رود؛ این کلمه در زبان دری تباه کننده، خراب کننده، فاسد کننده و...، معنی شده است.⁸

مطلب دوم مفهوم اصطلاحی فساد

راغب اصفهانی در تعریف فساد گفته است: « خروج از حالت اعتدال و مستقیم⁹ که این خارج شدن ممکن است اندک یا زیاد باشد که در نفس آدمی، اشیا یا جامعه می تواند بروز نماید.»

برای فساد تا فی الحال تعریف خاصی وجود ندارد، در هر امر فساد تعریف جداگانه یی دارد، در امور اقتصادی فساد عبارت از بدست آوردن مفاد از طریق کسب نامشروع میباشد. در امور سیاسی فساد عبارت از سر باز زدن از منافع سیاسی و نظام سیاسی یک کشور میباشد.

علمای شریعت اسلامی از فساد برداشت های متعددی دارند و تعاریف متعددی را نیز ارائه داشته اند که برخی از آنها قرار ذیل اند:
امام طبری¹⁰ رحمه الله فساد را چنین تعریف نموده است:
فساد عبارت از کفر و انجام معصیت میباشد.¹¹

⁸ فیروز آبادی، محمد بن یعقوب الفیروز آبادی مجد الدین، القاموس المحیط، ناشر مؤسسة الرسالة، 1426 چاپ 8، ج 1 ص 335، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حماد الجوهری، محقق، احمد عبدالغفور عطار، ناشر دارالعلم للمایین، سال 1990، 7 مجلد: ج 6 ص 91، الزبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق المرتضی الزبیدی، تاج العروس جواهر القاموس، ناشر طبعة الكويت چاپ دوم، 2008 م، ج 2 ص 80.

⁹ - راغب اصفهانی، ص 379.

¹⁰ ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری) زاده 224 در آمل - درگذشته 310 هجری قمری در بغداد (218-301 هجری خورشیدی (مورخ، مفسر و مؤلف و ومولف کتاب تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است. از مشهور ترین آثار وی از دیگر مهمترین ها تألیفات طبری می توان از اختلاف العلماء، اللطیف القول فی احکام شرایع الاسلام، تهذیب، بصیر فی معالم الدین، الخفیف فی الفقه، آداب النفوس، آداب المناسک الحج و تهذیب الآثار میباشد، و مشهور ترین شاگرد این ذرید میباشد). اعلام النبلاء ج 14 ص (268)

¹¹ طبری، محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، دارالفکر بیروت، 1320، ج 1 ص 89

در کتاب التحریر و التنبؤیر فساد چنین تعریف شده که فساد عبارت از دگرگون ساختن صلاح میباشد به این معنی که چیزی از اول صالح و پاک باشد و بعد به وسیله عملی آنرا فاسد سازیم و یا حقیقتش را ملوث بسازیم.¹²

از این تعریف چنین برداشت میگردد که شخصی که از اوامر الله متعال سرباز میزند و عمل نمیکند مفسد شمرده می‌شود و فساد را انجام داده است، و فردی که کفر ورزیده و به دین اسلام مشرف نگردیده است نیز فاسد شمرده میشود و عامل فساد میباشد.

به این معنی که اگر شخصی از مسیر اعتدال عدول نماید و به افراط یا تفریط بگراید این شخص فاسد شمرده میشود و عملش فساد محسوب میگردد.

مبحث دوم: فساد؛ معانی و مفاهیم آن در قرآن کریم:

مطلب اول- کلمه فساد در قرآن کریم:

واژه «فساد» و مشتقات آن 50 مرتبه در آیات قرآن کریم به کار رفته است. تاکنون با نگاه معناشناسانه به عنوان شیوه ای منسجم و استاندارد در تحلیل مفاهیم قرآنی، مورد پژوهش قرار نگرفته است. این پژوهش با روش معناشناسی توصیفی، به تحلیل تفسیری حوزه معنایی «فساد» در قرآن می پردازد. به این ترتیب، «الأرض» پربسامدترین واژه هم نشین «فساد» است. تأکید مکرر بر پرهیز از فساد در زمین، نشانه اهتمام قرآن نسبت به بعد اجتماعی زندگی بشر است. نکته قابل توجه، هم نشینی «فساد» با «صلاح» از نظر کمی و کیفی است. از دیدگاه قرآن، اساس زندگی بر نظم و صلاح بنا شده، از این رو خدای متعال با وجود حمایت مستمر از صالحان، همواره نسبت به مفسدان اظهار نفرت و غضب نموده و دیگران را به عبرت گرفتن از عاقبت آنان فراخوانده است. در محور جانشینی نیز، «ظلم» با «فساد» رابطه عام و خاص دارد، چنان که هر فسادی، با رویکردی ظالمانه؛ یعنی ازاله حق و خروج از حد اعتدال، همراه است. از جهتی دیگر، واژه «کفر» معادل با «فساد» است؛ زیرا عدم اعتقاد به وجود ناظمی

¹² ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحریر و التنبؤیر، الدار التونسیه بالنشر، 2008 م، ج 1 ص 284.

مصلح برای عالم، همان فساد اعتقادی و ریشه اصلی تمام مفاسد می باشد. بنابراین ملاحظه می شود که ماهیت هر فساد، متشکل از «سیئه» و شرارت است.¹³

مطلب دوم- معنا و مفهوم فساد در قرآن کریم:

از دیدگاه قرآنکریم، فساد و تباهی، دامنه ای گسترده دارد و بر هر نوع قتل، جنایت و زیان رساندن به جان، آبرو و مال مردم اطلاق می شود. برای آگاهی بیشتر از معنای «فساد» در قرآنکریم باید به مفهوم «صلاح» نیز توجه کرد. زیرا قرآنکریم، فساد و صلاح یا افساد و اصلاح را در برابر هم مطرح می کند.

در فرهنگ قرآنی، صلاح به معنای درستی، راستی و نیکویی است و اصلاح به معنای محو زشتی ها و ناپاکی هاست. در بسیاری از آیات قرآن، از پیامبران الهی به عنوان «مصلح» یاد شده است. چنان که حضرت شعیب علیه السلام خطاب به قوم خود می فرماید:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾

14

ترجمه: گفت ای قوم من بیندیشید اگر از جانب پروردگرم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد آیا باز هم از پرستش او دست بردارم من نمی خواهم در آنچه شما را از آن باز می دارم با شما مخالفت کنم و خود مرتکب آن شوم من قصدی جز اصلاح جامعه تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به یاری الله تعالی نیست بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم

پیامبران الهی از يك سو با تلاش و مجاهدت مستمر با هوای نفس، ناپاکی ها را از عمق وجود خود زدوده اند، و از سوی دیگر با تبیین راههای کمال و مبارزه با گردن کشان و زورگویان، زمینه های مساعد رشد و سعادت انسان را فراهم آورده اند. از این رو فساد، جز تخلف از تعالیم انبیا معنای دیگری ندارد.

همچنین الله متعال در جای دیگری می فرماید:

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تفسیری، سال نهم، تابستان، 1397، شماره 34، ص: 25.¹³

¹⁴هود/88

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾¹⁵

در روی زمین پس از آن اصلاح، هرگز به فساد و تباهی برنخیزید و الله تعالی را از روی ترس و امید بخوانید.

در این آیه، فساد به معنای عصیان آمد است. این آیه بیانگر این است که هیچ فردی حق فساد در روی زمین را ندارد و برای اصلاح آنان پیامبران انبیا و بعد علما کرام را الله تبارک و تعالی امر نموده است که باید همه انسانها در راه مبارزه با فساد دست به دست هم بدهند و نگذارند که در زمین فساد و رذایل حکم فرما شود بلکه بوسیله دعوت مسلمانان مخلص افراد فاسد به صلاح و خوبی میگرایند و از فساد رو گردان میشوند که بوجود آمدن صلاح و ازبین بردن فساد یک اصل شرعی و خواست فطری انسان است¹⁶.

[آن کریم در راستای مبارزه با فساد، در برخی آیات به تبیین مصادیق فساد می پردازد و در آیات دیگر چهره ی مفسدین و تباه کاران را افشا می نماید.

نکته ی دیگر ضرورت مجازات مفسدین است که در آیات قرآنی بر آن تأکید شده و برای برخی فسادها نظیر دزدی، فحشا و محاربه با مسلمین، مجازات مشخصی در نظر گرفته شده است.

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾¹⁷

ترجمه : سزای کسانی که با دوستداران الله تعالی و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف

¹⁵اعراف/56

¹⁶نسفی ابوحفص نجم الدین محمد ، مدارک التنزیل وحقائق التأویل) تفسیر النسفی(، دارالکلم طیب ، 1419، ج 2 ص.411

¹⁷مائده.33 /

جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

در این آیه، فساد به معنای تخریب و تدمیر آمده است. تفسیر بغوی در تفسیر این آیه مینویسد که در زمین فساد اختیار نکنید و در زمین باعث ایجاد فساد و وحشت نشوید و بگذارید که مردم در در روی زمین به خوبی و خوشی زندگی کند. و یا به عباره دیگر به وسیله فساد زندگی دیگران و خود را به خطر مواجه نسازید.¹⁸

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَنَقُطُّوا أَرْحَامَكُمْ﴾¹⁹

ترجمه: پس ای منافقان آیا امید بستید که چون از الله تعالی برگشتید یا سرپرست مردم شدید در روی زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را از هم بگسلید.

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾²⁰

ترجمه: و فرمان افراطگران را پیروی نکنید.

اطاعت کردن از اسراف کننده و همگام شدن با آنان و یا قبول کردن سخنان آنان از نظر قرآن کریم مردود است و جواز ندارد.²¹

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾²²

ترجمه: و ای قوم من پیمانانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر بردارید.

﴿قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ﴾²³

¹⁸تفسیر بغوی، ج 2 ص 199

¹⁹محمد. 22 /

²⁰شعراء. 151 /

²¹ابن العربی محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن ابن عربی، دارالکتب العلمیة ف 1429، ج 2 ص 88

²²هود. 85 /

²³یوسف. 73 /

ترجمه : گفتند به الله تعالى سوگند شما خوب می دانید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده ایم.

﴿وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأُصْلِحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾²⁴

ترجمه : و از میان شما آن دو تن را که مرتکب زشتکاری میشوند آزارشان دهید پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف نظر کنید زیرا الله تعالى توبه پذیر مهربان است.

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾²⁵

ترجمه : بیندیشید درباره دنیا و آخرت. و در باره یتیمان از تو می پرسند بگو به صلاح آنان کار کردن بهتر است و اگر با آنان همزیستی کنید برادران دینی شما هستند و الله تعالى تباهکار را از درستکار بازمی شناسد و اگر الله تعالى می خواست در این باره شما را به دشواری می انداخت آری الله تعالى توانا و حکیم است.

الله متعال در مورد تعاون و حسن خلق با یتیمان در این آیه تأکید میکند و همه مسلمانان را به آن دعوت میکند²⁶.

در آیه دیگر الله متعال میفرماید:

﴿فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ﴾²⁷

ترجمه : پس چون افکندند موسی گفت آنچه را شما به میان آوردید سحر است به زودی الله تعالى آن را باطل خواهد کرد آری الله تعالى کار مفسدان را تأیید نمی کند.

در آیه فوق، فساد به معنای سحر آمده است.

﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْاَلْ مُفْسِدِينَ وَلَكِنْ لَّا يَشْعُرُونَ﴾²⁸

²⁴نساء. 16 /

²⁵بقره. 220 /

²⁶آل سعدی، عبد الرحمن بن ناصر السعدي، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان) تفسير السعدي، (دار ابن جوزي

، 1422، تفسير پاره دوم ص 269،

²⁷يونس. 81 /

ترجمه : به هوش باشید که آنان فسادگرانند لیکن نمی فهمند.

این آیه مبارکه به مفسدین و منافقینی اشاره دارد که در زمین مرتکب فساد میشوند و فکر میکنند که کار خوب میکنند و یا به طرف خوبی روانند در حالیکه به فساد گرفتار هستند و حتی توجه هم ندارند که به کدام سمت در حرکت هستند²⁹.

﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾³⁰

ترجمه : اکنون در حالی که پیش از این نافرمانی می کردی و از تباهکاران بودی. در آیه مذکور، فساد به معنای قتل آمده است.

الله متعال در آیه بعدی میفرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾³¹

ترجمه : و با آنچه الله متعال داده برایت سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه الله تعالی به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که الله تعالی فسادگران را دوست نمی دارد.

الله تبارک و تعالی ذات با عظمت و حکیم در این آیه مبارکه بیزاری و عدم رضایت خویش را از فساد کننده گان اعلام میدارد و برعکس برای مسلمانان امر میکند که در دنیا به کار حلال و انجام شغل خوب امر میفرماید و در کنار شغل و وظیفه و بدست آوردن روزی و نصیب خویش از دنیا ذکر الله متعال را نیز فراموش نباید کند و به ذکر الله متعال زبانش مشغول باشد³².

الله متعال در آیه دیگری مهربانی میکند

²⁸البقره. 12 /

²⁹أحمد بن إسماعيل الكوراني ، البحر المديد في تفسير القرآن المجيد الكوراني ، دار الكتب العلميه ، 1413 ج 1 ص 79

³⁰يونس. 91 /

³¹قصص. 77 /

³²عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف أبو زيد الثعالبي المكي، جواهر الحسان في تفسير القرآن تفسير ثعلبي، ناشر دارالاحياء التراث العربي 1418 ، ، 4 جلد . ج 3 ص 173.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾³³

ترجمه : و در کتاب آسمانی شان به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست.

از روی اینکه در این مبحث اختصار نموده باشیم آیات فوق را که در رابطه به فساد ذکر نمودیم کافی میدانم بحث های مشرح دیگر را در مباحث و فصول بعدی میداشته باشیم.

مطلب سوم- اطلاقات فساد در قرآن کریم:

به طور اجمالی می توان گفت، فساد در قرآن کریم به معانی ذیل اطلاق شده است:

- 1) به معنی عصیان (20) آیه؛
- 2) به معنی هلاک (4) آیه؛
- 3) به معنی قتل (7) آیه؛
- 4) به معنی تخریب و تدمیر (10) آیه؛
- 5) به معنی قحطی (1) آیه؛
- 6) به معنی سحر (1) آیه.

مبحث سوم : اسباب فساد از دیدگاه قرآن کریم

فساد یکی از پدیده هایی است که در همه جوامع انسانی به شکل گسترده وجود دارد و انسانها به شکل فطری گرایش به طرف فساد و سرکشی دارند.

هر عمل مضری که جامعه انسانی را به مشکل مواجه میسازد و انسانها به آن گرفتار اند قبل از اینکه برای راه حل و تشخیصی در نظر گرفته شود باید سبب آن شناسایی گردد و جهت از بین بردن آن اسباب اقدام صورت گرفته تا مشکل از اساس منحل گردد ، به این اساس الله تبارک و تعالی در کتاب خویش اسبابی را برای فساد یاد آوری نموده است و انسانها را از آن اسباب بر حذر داشته است.

³³اسراء.4 /

در این مبحث برخی از اسبابی که باعث بروز فساد برای انسان و جوامع انسانی می‌گردد را در پرتو آیات قرآنی بیان مینمایم.

مطلب اول: عقیده به تعدد معبود

بدون شک الله تعالی معبود برحق است که همگان باید این عقیده را بپذیرند، اگر در دنیا دو معبود وجود می‌داشت دنیا به فساد می‌گرایید و نظام هستی برهم می‌خورد، به این اساس الله متعال تنها معبود حقیقی و خالق و فرمانروای هستی می‌باشد. موجودیت دو معبود در عقل انسان سلیم نیز گنجایش ندارد و عقل انسان نیز می‌پذیرد که در صورت موجودیت دو معبود نظام دنیا به سقوط مواجه می‌شود و الله تعالی یگانه و بی‌همتا است.

الله متعال می‌فرماید:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾³⁴

ترجمه: اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فساد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد!) منزه است الله متعال پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند! بدون شک با توجه به آیات فوق تعدد خالق در جهان هستی، موجب فساد، فروپاشی و متلاشی شدن نظام آن است.

مطلب دوم: ترک جهاد در راه الله متعال

بدون شک ترک جهاد یکب از اسبابی است که باعث گسترش فساد در جامعه انسانی می‌باشد، ازینرو در این مطلب به شکل فشرده در نخست جهاد را به معرفی می‌گیریم و بعد روی اینکه ترک جهاد گناه بزرگ است می‌پردازیم.

³⁴انبیاء/23

در طول تاریخ هر گاه جامعه مؤمنین به این فریضه الهی عمل نموده اند، پیشرفت، عظمت و سربلندی نصیب آنان شده است و هر گاه از این وظیفه سر باز زده اند، در دنیا و آخرت خسران دیده شدند.

تمام قوا در جبهه فرهنگی به ارزش ها و باورهای مومنین حمله کنند و مسلمانی به جای مقابله با این کفار به آنان پشت کرده و صحنه نبرد را خالی کند و به دنبال زندگی شخصی خود برود، یکی از مصداق های اصلی این آیه مبارکه بوده و مورد خشم و غضب الله متعال خواهد بود .

درآیه دیگری الله متعال در مورد فردی که از جهاد رو گردانی میکند میفرماید:

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ . أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾³⁵

ترجمه : پس اگر روی گردانیدید، آیا جز این انتظار می رود که در زمین تباهی کنید و قطع رحم نمایید . اینان کسانی هستند که الله متعال لعنت شان کرده و گوش هایشان کر و چشم هایشان را کور نموده است .

الله متعال در این آیات مبارکه می فرماید : سرنوشت روی گرداننده گان از جهاد تباهی کردن بر روی زمین است و به دلیل ترک این فریضه الله متعال آنان را لعنت می کند و دیگر گوش هایشان حق را نمی شنود و چشم هایشان حقایق عالم را نمی بیند . در نتیجه هرگز سعادت مند نخواهند شد .

الله متعال در جای دیگری می گوید که ترك فریضه جهاد با مال و جان در برابر کافران ، سبب فساد گسترده در جامعه می گردد:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾³⁶

³⁵ محمد 22-23 /

³⁶ انفال 73 /

ترجمه : و کسانی که کفر ورزیدند نیز هم پیوند و یاران یکدیگرند . اگر این (دستور پیوند با مؤمنان و جدایی از کافران) را انجام ندهید ، در روی زمین فتنه و فساد بزرگ روی خواهد داد .

و در سوره مبارکه محمد نیز مهربانی میکند الله متعال :

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَىٰ لَهُمْ ، طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ، فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾³⁷

ترجمه : و کسانی که ایمان آورده اند می گویند چرا سوره های در باره جهاد نازل نمی شود اما چون سوره های صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد آنان که در دل‌هایشان مرضی است مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو مینگرند²⁰ ولی فرمان‌پذیری و سخنی شایسته برایشان بهتر است و چون کار به تصمیم کشد قطعاً خیر آنان در این است که با الله متعال راستدل باشند²¹ پس ای منافقان آیا امید بستید که چون از الله متعال برگشتید یا سرپرست مردم شدید در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم جدا سازید . فردی که از جهاد فرار کند نیاز است تا از این عمل خویش توبه کند و دوباره به الله تبارک و تعالی رجوع نماید .

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾³⁸ .

ترجمه : الله متعال شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) ؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود) ؛ در آن هنگام که فزونی جمعیت تان شما را مغرور ساخت ، ولی (این فزونی جمعیت (هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعت اش بر شما تنگ شده ؛ سپس

³⁷ محمد 22-20 /

³⁸ توبه 26 /

پشت) به دشمن (کرده، فرار نمودید 21! سپس الله متعال- بعد از آن -توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و الله متعال آمرزنده و مهربان است.

بنا برشرح فوق ترک جهاد یکی از مهمترین اسبابی است که فساد در جامعه انسانی را بوجود می آورد.

مطلب سوم: فساد پادشاهان

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ ائْتِنَا مَلِكًا نُنَاقِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾³⁹

آیا از حال سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند پادشاه برای ما بگمار تا در راه الله متعال پیکار کنیم آن پیامبر گفت اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد چه بسا پیکار نکنید گفتند چرا در راه الله متعال نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از نزد فرزندانمان بیرون رانده شده ایم پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد جز شماری اندک از آنان همگی پشت کردند و الله متعال به حال ستمکاران داناست.

از ایه مبارک عیان میشود که پیشرفت و صلاح یک جامعه انسانی برمیگردد به صلاح پادشاه و یا امیر آن جامعه اگر پادشاه صالح بود جامعه به صلاح میگراید و اگر فاسد بود جامعه به فساد میگراید .

³⁹ بقره 146 /

مبحث سوم : پیامدهای فساد

مطلب اول : انحراف در برخورد و رفتار

الله تبارک و تعالی فساد را در هر عرصه که باشد مورد نکوهش قرار داده است.

الله متعال در سوره بقره چنین مفرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدِينَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ﴾⁴⁰

ترجمه : و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می گویند ما خود اصلاح‌گریم ، به هوش باشید که آنان فسادگراند لیکن نمی فهمند.

تفسیر خازن در رابطه به این آیه مبارکه چنین صراحت دارد که زمانیکه برای منافقین گفته میشد که در زمین فساد نکنید بدون اینکه توجوع به خود و به فساد خود داشته باشند میگفتند که ما از جمله صالحین هستیم و این به این معنی است که منافقین برعلاوه اینکه فساد را آشکار انجام میدادند فساد دیگری را نیز انجام میدادند که همانا گفتن دروغ و کذب است به عباره دیگر منافقین دو فساد را انجام میدادند یکی فساد علنی و انواع گناهان و دیگر اینکه کاذب بودند⁴¹.

این آیه مبارکه بیانگر خط راهبردی منافقین میباشد ، منافقین و غیر مسلمانان همواره در تلاش بدست آوردن منافع شخصی خویش اند از هر راه صلاح و فساد که باشد فرقی نمیکند، بر آنها فقط خواسته هایشان مدنظر است و فسادی که انجام میدهند یا حس نمیکنند و یا اگر حس میکنند به فکر آن نیستند و آنان را نادیده میگیرند⁴² به این اساس فساد و پیروی از خواسته های هوا نفس باعث انحراف در اعمال انسان میگردد که انسان را از راه راست به راه نادرست ناشایسته منحرف میسازد و بالاخره گمراهی دامنگیر انسان میشود .

⁴⁰ بقره 11-12/

⁴¹ بغدادی علاء الدین علی بن محمد ، لباب التاویل فی معانی التنزیل ، دار الکتب العلمیة ، 1415، ج 1 ص 27

⁴² سید قطب رحمه الله تفسیر فی ظلال القرآن ، ناشر دارالشروق ، سال 1398 هجری ، 1978 میلادی ج 1 ص 44

الله تبارک و تعالی در آیات 28-30 سوره مبارکه عنکبوت در مورد فساد قوم لوط علیه السلام و عذابی برآنان نازل شد میفرماید: ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ، أَتِنُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَّا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ، قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾⁴³

ترجمه : و یاد کن لوط را هنگامی که به قوم خود گفت شما به کاری زشت می پردازید که هیچ يك از مردم زمین در آن کار بر شما پیشی نگرفته است
 آیا شما با مردها درمی آمیزید و راه توالد و تناسل را قطع می کنید و در محافل انس خود پلیدکاری می کنید ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند اگر راست می گویی عذاب الله متعال را برای ما بیاور
 لوط گفت پروردگارا مرا بر قوم فسادکار غالب گردان.

الله تبارک و تعالی انسان را با فطرت سالم و پاکی خلق کرده است و برای وی شهوت و ذوق جنسی نیز داده است و این شهوت اگر مرد است با زن و اگر زن است با مردی که به طریق نکاح صحیح و شرعی میان شان ایجاد میگردد مرفوع میسازد ولی قوم لوط علیه السلام به جای اینکه از مجرای درست و حلال به رفع شهوات خویش بپردازند فساد اخلاقی انجام دادند و به لواطت رو آوردند که این عمل زشت آنان باعث شد تا عذاب الهی بالای آنان نازل گردد.⁴⁴

درآیه مبارکه دیگر الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

⁴³ لوط 28-30/

⁴⁴ ابن کثیر أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، تفسير ابن كثير، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت سال نشر 1419 هجری ج 6 ص

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُفْسِدِينَ ﴿45﴾

ترجمه : و یهود گفتند دست‌الله متعال بسته است دستهای خودشان بسته باد و به سزای آنچه گفتند از رحمت الله متعال دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد می‌بخشد و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند الله متعال آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و الله متعال مفسدان را دوست نمی‌دارد

با توجه به آیات مبارکه فوق‌زمانیکه انسان رو به فساد آورد و به فساد آلوده شود الله تبارک و تعالی آنان را گمراه می‌سازد و عذاب گوناگون خویش را عاید حالشان میگرداند. بنا برآن فساد باعث انحراف انسان از راه مستقیم الله متعال گردیده و عذاب الهی را در بر دارد.

مطلب دوم: قتل و خونریزی

قتل و خونریزی یکی دیگر از پیامدهای فساد در جامعه انسانی میباشد که در این مطلب آیاتی ذکر میگردد که گواه این سخن است.

الله تبارک و تعالی در سوره بقره مهربانی میکند:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿46﴾﴾

ترجمه : و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت فرشتگان گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو تو را تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

⁴⁵ مائده/63

⁴⁶ بقره/30

علامه زمخشری⁴⁷ از بزرگان امت مسلمه نیز قتل و خونریزی را پیامد فساد میدانند⁴⁸.

و در آیه دیگر این سوره الله متعال میفرماید:

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾⁴⁹

ترجمه: و چون برگردد یا ریاستی یابد کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و الله متعال تباہکاری را دوست ندارد.

از آیات مبارکه فوق دانسته میشود که یکی از پیامدهای بارز فساد قتل و خونریزی در روی زمین است که اگر جلو این فساد گرفته نشود قتل و خونریزی در روی زمین گسترش خواهد یافت.

مطلب سوم: گسترش بی بند و باری

پیامد دیگر فساد در جامعه انسانی بوجود آوردن بی بند و باری های گسترده از قبیل رذائل اخلاقی، دزدی و دیگر مشکلات میباشد که برخی از آنها در پرتو آیات قرآنی ذکر میگردد.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

(قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ)⁵⁰

⁴⁷ زمخشری ابوالقاسم محمود بن عمر... زمخشری خوارزمی، از بزرگان علمای ادب و لغت عرب و صاحب تفسیر کشاف! در سال 467 هـ ق، متولد شد. اصل او ایرانی و از بلاد شمالی ایران و سرزمین های سردسیر بود و نسبت زمخشری هم، به همین جهت است که زمخشر، از آبادیهای خوارزم می باشد. زمخشری در علم تفسیر، حدیث و لغت و علم معانی بیان، تبحر داشت. او در یکی از مسافرتها علمی زمستانی خود در خوارزم، یک پای خود را از دست داد و بعد از آن، همیشه از پای چوبی استفاده می کرد. با این حال باز هم، مسافرتها طولانی و علمی زیادی کرد و سرانجام در سال 538 هـ ق، در سن 71 سالگی در جرجانیه خوارزم در گذشت. ابن بطوطه "قبر او را در آنجا دیده است. او صاحب تفسیر کشاف و آثار دیگر است. این کتاب معروفترین و متقن ترین تفاسیر اهل تسنن است و از نظر نکات ادبی، بالخصوص نکات بلاغتی، در میان همه تفاسیر قرآن، ممتاز است. برخی از آثار او اعوذج و مفصل (در نحو)، الفائق (در حدیث)، (اساس البلاغه) در لغت، (ربیع الابزار و فصوص الاخیار، روس المسائل) در فقه، (قسطاس) در عروض، (مقدمة الآداب، دیوان الرسائل، دیوان الشعر) اشعار او بسیار زیاد است. (الرسالة الناصحة، فرهنگ جغرافیائی کتاب) الامکنه و

الجبال و المیاه) (اعلام النبلاء ج 20 ص 151)

⁴⁸ الکشاف الزمخشری ج 1 ص 179

⁴⁹ بقره 205 /

ترجمه : گفتند به الله متعال سوگند شما خوب می دانید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده ایم.

در این آیه داستان برادران یوسف علیه السلام است که به الله متعال قسم یاد کردند که بیان میدارند که ما سارق نیستیم و فساد در روی زمین نمیکنیم به این معنی که سرقت نوعی از فساد است و یکی از پیامدهای فساد میباشد⁵¹

در آیه دیگر الله تعالی میفرماید:

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾⁵²

ترجمه : ای قوم من پیمانها و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید.

آیه مبارکه بیانگر امری است که الله تعالی توسط پیامبرش برای مردم گفت که در ترازو هایتان خیانت نکنید بلکه عدالت و قسط را مد نظر داشته باشد و در زمین نیز فساد را پیشه نسازید.⁵³

از آیات مبارکه فوق به این نتیجه رسیدیم که خیانت و سرقت و بی بندوباری در جامعه انسانی یکی از آثار قابل ملاحظه فساد میباشد.

مطلب چهارم: نا امنی

بدون شک فساد یک پدیده شوم است در جامعه زمانیکه وجود داشته باشد آن جامعه را به بیراهه میکشاند ، یکی دیگر از پیامدهای فساد در جامعه انسانی به میان آمدن نا امنی است که اسلام به امن بودن جامعه انسانی اسلامی تاکید دارد.

⁵⁰یوسف/73

⁵¹فتح القدیر الشوکانی ج ۳ ص 216

⁵²هود/85

⁵³سیوطی ، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی ، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، دارل کتب العلمیة ، 1431 ، ج

ص 466.

الله متعال در راه بطه به امنیت میفرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿54﴾

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند آنان را است ایمنی و ایشان راه یافته گان اند

درآیه دیگر الله متعال میفرماید:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿55﴾

ترجمه: و یهود گفتند دست الله متعال بسته است دستهای خودشان بسته باد و به سزای آنچه گفتند از رحمت الله متعال دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد میبخشد و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند الله متعال آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می کوشند و الله متعال مفسدان را دوست نمی دارد.

بنا برآیات متذکره پیامد دیگر فساد گسترش نا امنی میباشد.

مطلب پنجم: قحطی و خشکسالی

قحطی و خشکسالی یکی دیگر از پیامدها و آثار فساد است.

زمانیکه مسلمانان در مقابل نعمات الهی شکر برپا نمیدارند و در زمین فساد میکنند الله تبارک و تعالی جهت عبرت گرفتن آنان عذاب های متعددی را عاید حال ایشان میگرداند تا باشد دیگر به فساد مبادرت نورزند.

⁵⁴انعام/82

⁵⁵مائده/64

الله تبارک و تعالی انسان ها را عزت و شأن بلند نصیب کرده است که هیچ دین دیگری این فضائل و برتری را برای انسان نداده است.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ⁵⁶

ترجمه : و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی آیات الهی و پیامبران را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند به عذابی سخت گرفتیم.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ⁵⁷

ترجمه : به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا سزای بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشانند تا باشد که بازگردند.

مفسرین در مورد این آیه مبارکه چنین نظر دارد که مراد از فساد در این آیه عبارت از خشکی ی ویا عیبی است که نباتات را سیاه میسازد و از بین میبرد و این عیوب به وسیله و خشکی به سبب فسادی که توسط انسان در روی زمین میباشد ⁵⁸.

مطلب ششم: تخریب و ازدیاد حوادث

فساد باعث تمام بدبختی ها و مشکلات در روی زمین میباشد که در صورت موجودیت آن زندگی انسانها به مشکل مواجه میشود از جمله آن مشکلاتی که فساد باعث آنها میگردد ، ازدیاد حوادث و تخریب زمین میباشد.

⁵⁶اعراف/96

⁵⁷روم/41

⁵⁸تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۶ ص ۳۳۶، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي) المتوفى 671: هـ (الجامع لأحكام القرآن القرطبي ، ناشر موسسه الرساله ، 1427 ، - ج ۱۴ ص 39

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ
وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾⁵⁹

ترجمه : و با آنچه الله داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه الله متعال به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که الله متعال فسادگران را دوست نمی‌دارد.

و درآیه دیگر سوره قصص نیز الله متعال میفرماید:

﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ
الْمُنْتَصِرِينَ﴾⁶⁰

ترجمه : آنگاه قارون را با خانه هایش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر عذاب الله متعال او را یاری کنند و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند.

آیات مبارکه فوق بیانگر این است که الله متعال در صورت گسترش فساد در روی زمین توسط انسانها یکی از حالاتی را که عاید حال زمین و اهل زمین میسازد خسف یا فرو رفتن زمین میباشد که الله متعال همگان را نجات دهد.

درآیه دیگری الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا
قَوْمًا مُجْرِمِينَ﴾⁶¹

⁵⁹ قصص / 77

⁶⁰ قصص / 81

⁶¹ اعراف / 133

ترجمه : پس ما طوفان و هجوم ملخ و شپش و قورباغه و آلوده شدن وسائیل زندگی را به خون که عذاب های گوناگونی بود به سوی آنان فرستادیم، باز هم تکبر و سرکشی کردند و گروهی مجرم و گناهکار بودند.

در اخیر این مبحث باید یاد آور شد که فساد بسا مشکلات زیادی را به بار می آورد که به شکل مختصر ذکر گردید ، فساد یک پدیده شومی است که جوامع انسانی و اسلامی را به هلاکت مبتلا میسازد.

فصل دوم

انواع فساد

مبحث اول : فساد در نیت

اما در زبان عربی، «نیت» به معنای توجه و التفات به کار نرفته است، از این رو، باید گفت که استعمال این واژه در زبان فارسی به معنای توجه و التفات، غلط مشهور است. نیت مصدر صلاح و فساد هر عمل است، هر عملی که منبع اش یعنی نیت صاف و صالح داشته باشد آن عمل نیک و مفید خواهد بود و هر عملی که نیت آن فاسد باشد عملش نیز فاسد است، بنا براین فسادی که در نیت به وجود می آید آیات قرآنی آنرا به صراحت بیان نموده و برای پاک ساختن و خالص نمودن آن از هرنوع پلیدی الله متعال امر نموده است.

مطلب اول : تعریف نیت

نیت در شریعت به معنای قصد کردن است که باید خالص لله باشد، اعمال عبادی با آن صورت میگیرد تا بتواند ساقط کننده ئی تکلیف و زمینه ساز نیل به پاداش اخروی گردد. گذشته از شریعت، در اخلاق اسلامی، دایره ئی تأثیر و حیطة نفوذ نیت در افعال گسترده تر بوده و نه تنها تکالیف عبادی بلکه تمامی جوانب زندگی و اعمال انسانی را در بر می گیرد. در واژگان عربی نیز، نیت به معنای متعدد به کار می رود: نیت مثل «خيفة»، مصدر است که افعال ماضی و مضارع «نوی»، «ینوی» از آن مشتق می شود. در کتاب المنجد آمده است: واژه «نیت» در کلام عرب، به معنای اسمی نیز به کار رفته و می رود، و لذا در لسان روایات، به صورت جمع یعنی «نیات» آمده است.⁶²

⁶² المنجد، لويسن معلوف، 1362، نشر اسماعیلیان. ر. ک: کاوشی در باره نیت، سایت حوزه، تاریخ انتشار: 1388/26/8.

نیت در لغت یعنی قصد و آنچه انسان به قلب خطور می دهد از خیر یا شر و در اصل از ریشه «النَّوَى» به معنای هسته خرماست، همچنین به معنای عزم، حاجت، نیاز و خواسته آمده است⁶³.

در اصطلاح، نیت را به این خاطر نیت گویند که همزمان با فعل در قلب خطور می کند و در واقع، مخفی در قلب است، یعنی همانطور که هسته در بطن شی مخفی است، نیت هم در قلب پنهان است⁶⁴.

توضیح اینکه در هر عملی ابتداء باید مبادی علمی آن در ذهن و باطن انسان تحقق یابد و پس از آن شخص اراده کند که آن را انجام دهد و همزمان با اراده، انگیزه نیز برای فعل لازم است که از آن به نیت تعبیر می شود و در اعمال فرد نقش مهمی دارد چنانکه در فقه صحت و بطلان عبادات و سایر افعال بر اساس آن پی ریزی شده است، یعنی همانگونه که روح، حیات بخش جسم انسان است، نیت نیز روح اعمال می باشد.

چنانچه نبی کریم صلی الله علیه وسلم در حدیث مبارکه میفرماید:
عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ:
إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ⁶⁵

ترجمه: از عمر ابن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میگفت: ثواب و پاداش هر عمل مربوط به نیت آن است و برای هر امر نیت است، کسیکه به خاطر الله متعال و رسولش هجرت کرده باشد هجرتش بخاطر الله رسول است و کسیکه به خاطر بدست آوردن دنیا هجرت میکند و یا بخاطر خانمی که وی را نکاح کند پس هجرت وی بخاطر آنچه است که به آن نیت هجرت کرده است.

⁶³ تاج العروس ج ۱۰ ص

⁶⁴ المعجم الوسيط، ج 2، ص 2060.

⁶⁵ البخاری: محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح البخاری، دار ابن کثیر، الیمامة- بیروت، 3/1، رقم: 1.

از این حدیث مبارکه نیز معلوم میشود که نیت در اعمال انسان مستقیماً دخیل است و صحت ، سقم و قبولیت آن وابسته به نیت میباشد .

مطلب دوم : برخی از آیات قرآن کریم در مورد فساد؛

بدون شک نیت چیزی است که عمل انسان به آن تعلق دارد یعنی فساد و صلاح عمل منوط و مربوط به نیت است اگر نیت انسان از جنس فساد باشد عمل فاسد به بار می آورد و اگر نیت صالح باشد عمل صالح به بار می آورد.

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي رَابِعِهِ فِي نَيْتٍ وَبِأَنَّ الْقَلْبَ وَجُودَ دَارِدٍ مِيْفِرْمَايِدُ:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾⁶⁶

ترجمه : به راستی الله متعال هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دلهایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد.

و نیز الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا﴾⁶⁷

ترجمه : و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به الله متعال و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.

در آیه دیگری الله متعال میفرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾⁶⁸

⁶⁶فتح/18

⁶⁷نساء/38

⁶⁸نساء/142

ترجمه : منافقان با الله متعال نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و الله متعال را جز اندکی یاد نمی کنند.

الله تبارک و تعالی در این آیه مبارکه به یکی از خصلت های منافقین اشاره دارد که ریا کردن میباشد که وقتی به نماز می استند فکر شان به طرف الله متعال نه بلکه به طرف ریا کاری است که ریا کاری عمل فاسد محسوب میگردد.⁶⁹

د رآیه مبارکه سوره بقره نیز الله تبارک و تعالی در این مورد میفرماید:

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾⁷⁰

ترجمه : بیندیشید درباره دنیا و آخرت . و در باره یتیمان از تو می پرسند بگو به صلاح آنان کار کردن بهتر است و اگر با آنان همزیستی کنید برادران دینی شما هستند و الله متعال تباهکار را از درستکار بازمی شناسد و اگر الله متعال می خواست در این باره شما را به دشواری می انداخت بلی الله متعال توانا و حکیم است

در اینجا برخی از نظریات دانشمندان اسلامی را که در رابطه به فساد ارائه کرده اند خدمت خوانندگان گرامی مینویسیم:

شیخ ابن جوزی رحمه الله در رابطه به نیت چنین میگوید که هر فردی که خواهان تصفیه و صفا ساختن احوال و ونیت خویش است ، عملش نیز صفا و قابل قبول است ، به این معنی که صفای نیت در عمل روشن میگردد اگر عمل درست و پسندیده بود نیت پسندیده است اگر نیت پسندیده نباشد عمل نیز ناپسند است.⁷¹

ابن مبارک رحمه الله در رابطه به نیت چنین نظر دارد ، عمل بزرگ و صالح و مفید نمایانگر اراده قوی است و داشتن اراده قوی نمایانگر نیت قوی و مستحکم است.⁷²

⁶⁹الخلوتی ، إسماعیل حقی بن مصطفی الإستانبولی الحنفی الخلوتی ، المولی أبو الفداء ، تفسیر روح البیان ، دارالفکر بیروت ، اضافات و نشر . 2010/11/14 ج 2 ص 312.

⁷⁰بقره 220/

⁷¹ابن جوزی ، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی بن جوزی ، صید الخاطر ، دارالکتب العلمیه بیروت ، 1412 ، ص ۱۲

با توجه با آیه مبارکه ذکر شده و نظریات دو عالم بزرگ جهان اسلام نیت از جایگاه بسا بزرگی در صلاح و فساد عمل دارد که در صورت نیت نا خالص هر چند عمل درست باشد ظاهرا اما مورد قبول الله متعال قرار نمیگیرد.

مبحث دوم : فساد در عقیده

مطلب اول : فساد در باورهای مربوط به الهیات

فساد در الهیات یکی از مباحث قرآنی دیگری است که در این مطلب جزئیات فسادى که در الهیات تحقق پذیر است بطور واضح ذکر میگردد.

یکی از فساد های که از آن در قرانکریم یاد شده است ، فساد فرعون است که ادعای رب بودن یا خدایی کرد در حالیکه الله متعال میفرماید:

﴿فَحَشَرَ فَنَادَى ، فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾⁷³

ترجمه : و گروهی را فراهم آورد و ندا درداد ، و گفت پروردگار بزرگتر شما منم و درآیه دیگر مهربانی میکند:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾⁷⁴

ترجمه : فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت آنان را زبون می داشت پسرانشان را سر می برید و زنانشان را برای بهره کشی زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود.

الله تبارک و تعالی در سوره مریم در رابطه به گرفتن معبودی غیر الله متعال میفرماید:

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴾⁷⁵

⁷² عسقلانی ، أحمد بن علي بن محمد بن حجر العسقلاني شهاب الدين أبو الفضل ، تهذيب التهذيب، ناشر المعارف ، 1327

ج ۵ ص ۳۳

⁷³ نازعات 23-24/

⁷⁴ قصص 4/

⁷⁵ مریم 81/

ترجمه : و به جای الله متعال معبودانی اختیار کردند تا برای آنان مایه عزت باشد
در آیه سوره انعام نیز در این مورد الله متعال میفرماید:

﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ
وَمَنْ بَلَغَ أَنتِكُمْ لِتَشْهَدُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةٌ أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ
مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾⁷⁶

ترجمه : بگو گواهی چه کسی از همه برتر است بگو الله متعال میان من و شما گواه است و
این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را که این پیام به او برسد هشدار دهم
آیا واقعا شما گواهی می دهید که در جنب الله متعال خدایان دیگری است بگو من گواهی
نمی دهم بگو او تنها معبودی یگانه است و بی تردید من از آنچه شریک او قرار می دهید بیزارم
و نیز الله تبارک و تعالی در رابطه استعانت جستن و کمک خواستن از غیر الله میفرماید:

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا
إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ، وَالْقَوْلُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ، الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾⁷⁷

ترجمه : و چون کسانی که شرک ورزیدند شریکان خود را ببینند می گویند پروردگارا اینها
بودند آن شریکانی که ما به جای تو می خواندیم ولی شریکان قول آنان را رد می کنند که شما
دروغگویانید ، و آن روز در برابر الله متعال از در تسلیم درآیند و آنچه را که برمی بافتند بر باد
می رود، کسانی که کفر ورزیدند و از راه الله متعال باز داشتند به سزای آنکه فساد می کردند
عذابی بر عذابشان می افزاییم.

از آیات متبرکه ذکر شده چنین نتیجه بر می آید که فساد در عقاید به خصوص فساد نیت
در الهیات یکی از بزرگترین مفاسدی است که انسان را به کام کفر و شرک میکشاند بنا برآن
انسان مسلمان همواره در تلاش باشد تا بااین فسادها اصلا روبرو نشود تا عقیده اش فاسد
نگردد و به گناه بزرگ نیز مبتلا نگردد.

⁷⁶ انعام 19 :

⁷⁷ نحل 99-86

مطلب دوم : فساد در باورهای مربوط به نبوات

فساد در عقیده به نبوات یا پیامبران نیز وجود دارد که بسا موضوع مهم و حیاتی است که اگر انسان اندکی در این عقیده متزلزل گردد عقیده وی فاسد و ایمانش زائیل میگردد ، بنا برآن الله تبارک و تعالی در آیات متعددی از آن یاد آوری نموده است.

در این جا قبل از وارد شدن به آیات متبرکه بطور خلاصه و گذرا نبی را تعریف مینائیم:
نبی عبارت از شخصی است که برای وی از جانب الله تبارک و تعالی وحی نازل گردیده که اقسام وحی نیز متعدد است هم بصورت ارسال ملک است وهم بوسیله رویای صالحه است و هم به وسیله القا در قلب نبی میباشد.⁷⁸

یعنی نبی حامل وحی الهی میباشد که الله متعال وی را جهت هدایت بشر انتخاب و بوسیله آن احکام خویش را برای دیگران بیان میدارد.

الله متعال در مورد ارسال پیامبر صلی الله علیه وسلم و وظایف وی میفرماید:
﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾⁷⁹

ترجمه : اوست آن کس که در میان بیسوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را به آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و آنان قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

الله تبارک و تعالی در این آیه مبارکه وظیفه و رسالت نبی کریم صلی الله علیه وسلم که عبارت از بیان آیات قرآن کریم تزکیه و تعلیم قرآن کریم و حکمت میباشد را به هیچ قوم و قبیله ی خاص نکرده است بلکه هم عرب و هم عجم و همه قشر انسان شامل این رسالت نبی کریم صلی الله علیه وسلم میباشد و پیامبر صلی الله علیه وسلم مکلف است تا به آنان دعوت و تعلیم نماید.⁸⁰

⁷⁸ جرجانی ، علي بن محمد السيد الشريف الجرجاني معجم التعريفات ، ناشر دارالفضيلة ، 2011م، ص294

⁷⁹ جمعه 2/

⁸⁰ خياط عبدالله خياط ، التفسير الميسر خلاصات مقتبسة من أشهر التفاسير المعتمدة ، دارالفكر بيروت ، 1399هجری .ج

و در آیه دیگر الله متعال میفرماید : در رابطه به ارسال پیامبران و ایمان آوردن مسلمانان بر آنان:

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا - لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا⁸¹

ترجمه : ای پیامبر ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده ای فرستادیم تا به الله متعال و فرستاده اش ایمان آوری و او را یاری کنی و ارج اش نهی و الله متعال را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستی و نیز میفرماید :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾⁸²

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید به الله متعال و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب هایی که قبلا نازل کرده بگروید و هر کس به الله متعال و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است. در آیه بعدی سوره نساء میفرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا - أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾⁸³

ترجمه : کسانی که به الله متعال و پیامبرانش کفر می ورزند و می خواهند میان الله متعال و پیامبران او جدایی اندازند و می گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم و

⁸¹فتح 8-9/

⁸²نساء 136 /

⁸³نساء 151-150/

می‌خواهند میان این دو راهی برای خود اختیار کنند، آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عذابی با ذلت و خواری آماده کرده ایم

از این آیات متبرکه دانسته میشود که ایمان به پیامبران از ارکان مهم لازمی اسلام میباشد و اگر کسی به الله متعال ایمان آورد و به پیامبرش نیاورد مسلمان نیست و از دایره اسلام خارج است.

در آیات بعدی فساد عقیده در نبوات را به شکل فشرده ذکر مینمایم:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ﴾⁸⁴

ترجمه : و فرعون گفت مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند

در این آیه مبارکه الله تبارک و تعالی از فساد فرعون و روگردانی فرون علیه لعنه از نبی برحق خویش ذکر نموده است و بیان داشته است که فرعون از نبوت موسی علیه السلام اطاعت ننمود و خودش ادعای خدایی کرد.

بحث دیگری که در مورد آن ذکر میگردد نوح علیه السلام است که قوم اش علیه وی اقدام نمودند و پیامبری وی را به رسمیت نشناختند و وی را تکذیب نمودن که باعث گرفتاری خویش به عذاب الهی شدند:

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ﴾⁸⁵

ترجمه : و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم پس به آنان گفت ای قوم من الله متعال را بپرستید شما را جز او خدایی نیست مگر پروا ندارید و اشراف قومش که کافر بودند گفتند

⁸⁴ عافر/26

⁸⁵ مومنون/23-24

این مرد جز بشری چون شما نیست می‌خواهد بر شما برتری جوید و اگر الله متعال می‌خواست قطعا فرشته گانی می‌فرستاد در میان پدران نخستین خود چنین چیزی نشنیده ایم.

از آیات مبارکه چنین بر می‌آید که یکی از اقوام که از پیامبر شان رو گردانیدن و بر علیه وی ظلم را روا دیدند قوم نوح علیه السلام بود که بوسیله همین فساد شان الله متعال آنان را در آب غرق ساخت.

آیه دیگری را که الله تعالی در کلام مقدس بیان داشته است ، فساد اهل جزیره العرب علیه آخرین پیامبران محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد.

الله متعال میفرماید:

﴿وَقَالُوا مَا لِيَ الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا- أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا-
انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾⁸⁶

ترجمه : و گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود چرا فرشته های به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد ، یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از بار و بر آن بخورد و ستمکاران گفتند جز مردی افسون شده را دنبال نمی‌کنید ، بنگر چگونه برای تو مثل ها زدند و گمراه شدند در نتیجه نمی‌توانند راهی بیابند.
و درآیه سوره مبارکه انعام نیز میفرماید:

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾⁸⁷

ترجمه : به یقین می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند ولی ستمکاران آیات الله متعال را انکار می‌کنند

از آیات متذکره ذکر شده درباب روگرانی قوم قریش از نبی کریم صلی الله علیه وسلم چنین بر می‌آید که یکی از اقوام و مردمی که علیه پیامبر و پیشوای خویش قد علم نمودند و از وی و

⁸⁶ فرقان 9-17

⁸⁷ انعام 33

نبوت اش انکار کردند و فساد در زمین را مرتکب شدند قوم قریش و کسانی بودند که به نبوت نبی کریم صلی الله علیه وسلم ایمان نیاوردند.

مطلب سوم : فساد در باورهای مربوط به سمعیات

ایمان داشتن به سمعیات که بعداً به تعریف مختصر آن میپردازیم از اجزاء ایمان مومن میباشد که بدون آن هیچ فردی مومن شده نمیتواند.

قبل از وارد شدن به آیات قرآن کریم جا دارد تا سمعیات را به شکل گذار تعریف نمائیم:

سمعیات کلمه است که از سمع گرفته شده است و سمع به معنی گوش یا اذن میباشد.⁸⁸

سمع نزد ابن منظور به معنی حس شنوایی میباشد.⁸⁹

علما و دانشمندان سمعیات را به غیبیات نیز تعریف کرده اند یعنی آنچه که به وسیله شنیدن به انسان موصلت میورزد و انسان آنرا میشنود ولی به چشم نمیبیند و حس لمسی ندارد. و به عباره دیگر عبارت از اخبار یقینی است که از طریق حس شنوایی شنیده میشود و لمس نمیگردد.⁹⁰

امام جوینی⁹¹ رحمه الله در رابطه به سمعیات میگوید که سمعیات مانند موارد عذاب قبر، سوالات نکیر و منکر، جنت و دوزخ، صراط و میزان، شفاعت و غیره میباشد.⁹²

⁸⁸ الخلیل بن أحمد الفراهیدی - عبد الحمید هندای، کتاب العین مرتباً علی حروف المعجم، ناشر دارالکتب العلمیه،

بیروت، 1424 1/348

⁸⁹ لسان العرب ر. 8/162

⁹⁰ بوطی، محمد سعید البوطی، کبری یقینیات الکوئیة، دارالکتب العلمیه، 1440، ص. 301:

⁹¹ عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی مشهور به امام الحرمین جوینی متکلم، دانشمند و فقیه مسلمان شافعی مذهب، از مدرسین معروف نظامیه نیشابور بود. او شاگردانی بسیاری را آموزش داد و به دلیل چند سال اقامت و بحث و تدریس در مکه و مدینه، «امام الحرمین» لقب گرفت از مهمترین آثار وی الارشاد در اصول دین، الاسالیب فی الخلاف الغیابی، البرهان، در اصول فقه؛ شامل، در اصول دین، العقیده النظامیه یا الرساله النظامیه، الورقات، در اصول فقه و غیره میباشد. اعلام النبلاء، ج 18 ص (468)

⁹² جوینی، لأبی المعالی الجوینی، العقیده النظامیه فی الأركان الإسلامیه، ناشر المعارف، 1414، ص. 76-93:

الله تبارک و تعالی در مورد ایمان به غیب و یا سمعیات میفرماید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾⁹³

ترجمه: آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می‌کنند.

الله متعال د راین آیه مبارکه یکی از خصوصیات متقین و مومنین را ایمان داشتن به غیبیات میداند و میفرماید که از جمله مومنان کسی است که او ایمان به غیب و یا سمعیات آورده باشد.

حال به فسادی که در سمعیات برخی از افراد طول تاریخ اسلام آن را مرتکب شده اند، به بحث میگیریم.

از جمله افرادی که از ایمان آوردن و قبول کردن سمعیات و یا غیبیات انکار کرد قارون بود که در مورد وی الله متعال میفرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ - قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ﴾⁹⁴

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه الله متعال به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که الله متعال فسادگران را دوست نمی‌دارد، قارون گفت من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام آیا وی ندانست که الله متعال نسل هایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند ولی این گونه مجرمان را نیازی به پرسیده شدن از گناهانشان نیست.

در این آیه مبارکه یادی از قارون صورت گرفته است که وی به آنچه ماورای طبیعت است و قابل لمس و دید نیست که سمعیات نامیده میشود، ایمان نیاورد و آنرا تکذیب کرد که به اثر

⁹³ بقره/3

⁹⁴ قصص 78-177

این عمل زشت وی به عذاب دنیوی گرفتار شد و الله متعال عذاب آخرت را نیز شامل حال وی خواهد ساخت.

درآیه بعدی از قوم نبی کریم صلی الله علیه وسلم یاد آور میشویم که به امور غیبی که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان میداشتند توجه نداشتند و ایمان نیاوردند:

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ- أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ- بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ- وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ﴾⁹⁵

ترجمه : و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر الله متعال و به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق کننده آنچه پیش از آن است می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست و از پروردگار جهانیان است یا می گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گویند سوره های مانند آن بیاورید و هر که را جز الله متعال می توانید فرا خوانید بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است کسانی هم که پیش از آنان بودند همین گونه پیامبرانشان را تکذیب کردند پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است ، و از آنان کسی است که بدان ایمان می آورد و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی آورد و پروردگار تو به حال فسادگران داناتر است.

از آیات متبرکه ذکر شده دانستیم که اقوامی وجود داشت و هنوز هم با تأسف وجود دارند که به اموری که به چشم دیده نشود ایمان ندارند.

حتی در عصر حاضر افرادی که بنام کمونیست یاد میشوند به الله تبارک و تعالی ایمان کامل ندارند و همواره میگویند که آنچه که به چشم دیده نشود و با دست لمس نشود ایمان چرا بیاوریم و آنچه که به چشم دیده و به دست لمس نمیشود وجود ندارد و به وسیله این گونه

سخنان بیهوده و کفری افرادی که دانش اسلامی نداشته باشند تحت تأثیر قرار گرفته گمراه میشوند.

مبحث سوم : فساد در رفتارهای روزمره

این مبحث را اختصاص دادیم برای برخی از فسادهای که در امور معاملات و روابط انسانها و رفتارهای آنها بوجود می آید بدون شک انسان باهم در روابط هستند و همواره در امور مختلف باهم روابط برقرار مینمایند و افرادی در این روابط دست به فساد میزنند که این عمل زشت آنها مورد نکوهش قرار گرفته است، طی مطالب ذیل به شکل فشرده بیان میداریم:

مطلب اول : فساد در معاملات

قسمیکه در مقدمه مبحث یاد آوردیم انسانها در زندگی روزمره و اجتماعی خویش نیاز به روابط دارند و این روابط به اساس معاملات میان ایشان میباشد ، گاه گاهی در این معاملات طرفین و یا یکی از اطراف به فساد میگراید که این فساد را الله تبارک و تعالی منع قرار داده است.

الله تبارک در مورد تقسیم کارها و مسؤولیت های انسانها در روی زمین چنین میفرماید:

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾⁹⁶

ترجمه : آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند ما وسایل معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم و برخی از آنان را از نظر درجات بالاتر از بعضی دیگر قرار داده ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است .

در آیه دیگر مهربانی میکند:

⁹⁶زخرف/32

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾⁹⁷

ترجمه: الله متعال به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که الله متعال شما را به آن پند می‌دهد الله متعال شنوای بیناست.

بنا بر آیات فوق الله متعال امور را به اساس اهلیت انسانها برایشان مدنظر گرفته و برای انسانهای دیگر نیز امر فرموده است که شما کار را به اهلهش بسپارید تا فساد نکنند اگر کار به اهل کار سپرده نشود بدون شک فساد به بار می‌آید و وقتی که اهالی امور به فساد گرفتار شدند جامعه به تباهی سوق داده میشود.

برخی از آیاتی که در رابطه به فساد در معاملات آمده است آن را ذیلاً تحریر میداریم.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾⁹⁸

ترجمه: و کسانی که پیمان الله متعال را پس از بستن آن میشکنند و آنچه را الله متعال به پیوستن آن فرمان داده میگسلند و در زمین فساد می‌کنند بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست

الله تبارک و تعالی در این آیه اشاره به کسانی دارد که عهد بسته میکنند و یا وعده میکنند با الله متعال بعد از آن وعده را عمل نمیکند و به وعده خویش خلاف میورزند، این گروه موجب لعنت الله متعال و عذاب شدید آخرت قرار میگیرند.

در آیه دیگر الله متعال در رابطه به مالیکه حرام است و خوردن آن مجاز نیست میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾⁹⁹

⁹⁷نساء/58

⁹⁸رعد/25

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید زیرا الله متعال همواره با شما مهربان است.

درآیه دیگر نیز میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾¹⁰⁰

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله متعال پروا کنید؛ و اگر مؤمن هستید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید .

این آیه مبارکه بیانگر اموالی است که انسان از راه حرام بدست می آورد و الله متعال آنرا منع کرده است مانند: سود، رشوه، مال یتیم و غیره میباشد .

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾¹⁰¹

ترجمه : و آنچه را که شیطان صفت ها در سلطنت سلیمان خوانده و درس گرفته بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطانصفت ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند و نیز از آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود پیروی کردند با اینکه آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی کردند مگر آنکه قبلا به او می گفتند ما وسیله آزمایشی برای شما هستیم پس زنهار کافر نشوید ولی آنها از آن دو فرشته چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان الله متعال نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند چیزی می آموختند که

⁹⁹ نساء/29

¹⁰⁰ بقره/278

¹⁰¹ بقره/102

برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید و قطعاً یهودیان دریافته بودند که هر کس خریدار این متاع باشد در آخرت بهره‌ای ندارد چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند

آیاتی که فوقاً ذکر گردید بیانگر فساد است که در میان برخی از انسانها وجود دارد و الله متعال آنان را بالای انسانها حرام دانسته است.

مطلب دوم : فساد در گرایشها و تمایلات

همه مخلوقات زنده بخصوص انسانها نیاز به خوردن ، نوشیدن و رفع غریزه جنسی که دارند. الله تبارک و تعالی شکل حلال آنها بر مسلمانان لازم دانسته ، و از جهت حرام بدست آوردن نیاز هایشان را به طور صریح متع نموده.

الله تبارک و تعالی در مورد خوردن و نوشیدن چنین ارشاد میفرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾¹⁰²

ترجمه : ای فرزندان آدم ! هنگام هر نماز و در هر مسجدی، آرایش و زینت مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان همراه خود بگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا الله متعال اسراف کننده گان را دوست ندارد.

در این آیه مبارکه الله متعال انسان ها را به خوردن و نوشیدن بدون اسراف امر میکند و از اسراف کننده گان اعلام ناخوشنودی میکند.

الله تبارک و تعالی در مورد خوردن مال یتیم مهربانی میکند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾¹⁰³

ترجمه : در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند.

و نیز میفرماید :

¹⁰²اعراف/31

¹⁰³نساء/10

﴿ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ
مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَتَكُمْ إِيَّاهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴾¹⁰⁴

ترجمه : و در باره یتیمان از تو می‌پرسند بگو به صلاح آنان کار کردن بهتر است و اگر با
آنان همزیستی کنید برادران دینی شما هستند و الله متعال تباہکار را از درستکار
بازمی‌شناسد و اگر الله متعال می‌خواست در این باره شما را به دشواری می‌انداخت به تحقیق
که الله متعال توانا و حکیم است.

تفسیر المنیر در این مورد چنین صراحت دارد که اگر خلط کردن مال یتیم با مال طرف
دیگر خلط کند و در آن صلاح و مفاد یتیم باشد جواز دارد.¹⁰⁵

الله متعال در این آیات به یکی از فساد های بزرگ و نا بخشودنی که عبارت از خوردن مال
یتیم میباشد اشاره میکند که خوردن آنرا قطعا حرام دانسته است ، فردی که مال یتیم را بدون
حق میخورد و استفاده میکند مثلیکه آتش جهنم را در شکم خویش فروزان ساخته باشد.

الله متعال در آیات دیگر در رابطه به ربا یا سود چنین میفرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾¹⁰⁶

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید ربا نخورید که دائم سود بر سرمایه افزائید تا چند برابر
شود و از الله متعال بترسید و ترک این عمل زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری یابید.

﴿ وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْنَهُمْ عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا ﴾¹⁰⁷

ترجمه : و هم بدین جهت که ربا می‌گرفتند در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و
هم از آن رو که اموال مردم را باطل) مانند رشوه، خیانت و سرقت (می‌خوردند و ما برای کافران
آنها را مهیا داشته ایم عذابی بزرگ و دردناک.

در آیه دیگر نیز الله متعال میفرماید:

¹⁰⁴ بقره/220

28. ¹⁰⁵ الزحیلی ، وهبه ، التفسیر المنیر فی العقیدة والشريعة والمنهج ، دارالفکر المعاصر دمشق ، 1418 ج ۲ ص ۲۸

¹⁰⁶ آل عمران/130

¹⁰⁷ نساء/161

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴾¹⁰⁸

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله متعال پروا کنید؛ و اگر مؤمن هستید آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. و اگر (چنین) نکرديد، بدانيد به جنگ با الله متعال و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم کنید و نه ستم می بینید.

آیه خطاب به کسانی است که به حق و حقیقت گرویده اند، تقوی و پرهیزکاری را پیشه خود نموده اند، می فرماید آنچه از ربا نگرفته اید به صاحبش واگذارید اگر از روی حقیقت و واقعیت ایمان آورده اید، به مؤمنین تذکر می دهد که در ربا به گمان شما نفع دارد و مال شما زیاد می شود، در حالیکه خیال و گمان فاسدی است بلکه به عکس ربا جز ضرر و زیان و سیاه روزی چیز دیگری در بر ندارد، ای مؤمنین بدانید اگر فرمان الله متعال را عمل نکنید و باقیمانده ربا را به صاحبش رد نکنید، بدانید که شما در مقام جنگ با الله متعال و رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشید، و اگر از این عمل شنیع توبه کنید و آن زیادتی که ظالمانه و بلاعوض گرفته اید به صاحبش رد کنید اصل مال برای شما حلال است که بگیرید، نه ظلم و تعدی کنید و علاوه بر حق خود طلب کار باشید!!!

الله متعال در مورد زنا نیز چنین میفرماید:

﴿ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴾¹⁰⁹

ترجمه : و به زنا نزدیک مشوید چرا که آن همواره زشت و بد راهی است

¹⁰⁸ بقره 278-279/

¹⁰⁹ اسراء 32/

فصل سوم

صفات مفسدین و نمونه های بارز آنان

مبحث اول : صفات مفسدین

مفسدین دارای صفات مشخص و معینی میباشند در رابطه به این گروه جابر و ظالم هم در آیات متبرکه قرآنی و در احادیث نبوی بیان گردیده است و صفات آنان را آشکار نموده است. در این مبحث میپردازیم به برخی از صفات مفسدان در روشنایی آیات قرآن عظیم الشان که به اساس موضوعات به مطالب ذیل تقسیم گردیده اند:

مطلب اول : صفات تجاوزگرانه

در این مطلب میپردازیم به صفاتی که تجاوز محسوب میگردد به مال جان و حیثیت و آبروی انسان ها که عنوان آنرا صفات تجاوزگرانه مفسدین نام گذاشتیم به صفات ذیل تقسیم گردیده اند:

صفت اول : قتل خونریزی

قتل و خونریزی یکی از صفات بارز و برجسته ئی مفسدین است که ما همواره شاهد آن هستیم هم کتب تاریخی از این ظلم مفسدین و ظالمین یاد کرده وهم قرآن کریم به آن توجه بیشتری فرموده است.

قتل انسان موضوعی است که جزای سخت و دشوار در شریعت اسلامی در رابطه به آن از جانب الله متعال مد نظر گرفته شده است.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾¹¹⁰

¹¹⁰ نساء/29

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید زیرا الله متعال همواره با شما مهربان است

و در آیه دیگر میفرماید:

(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)¹¹¹

ترجمه : و هر کس عمدا مؤمنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و الله متعال بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است. طوریکه آیات بیان شد این آیات مبارکه نمایانگر گناه عظیم قتل انسان میباشد. در رابطه به فسادی که فرعون و قومش علیه موسی علیه السلام کرد الله تبارک و تعالی در سوره غافر میفرماید:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ﴾¹¹²

ترجمه : و فرعون گفت مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند من می ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند. و نیز میفرماید:

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾¹¹³

ترجمه : و چون برگردد یا ریاستی یابد کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و الله متعال تباہکاری را دوست ندارد

و الله تبارک و تعالی در سوره مبارکه قصص میفرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾¹¹⁴

¹¹¹نساء/93

¹¹²غافر/26

¹¹³بقره/205

¹¹⁴قصص/4

ترجمه : فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه های از آنان را زیون می داشت پسرانشان را سر می برید و زنانشان را برای بهره جستن زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود الله تبارک و تعالی در آیات یکی از مفسد ترین افراد تاریخ بشر را به معرفی میگیرد که فرعون و لشکریانش میباشد ، و میفرماید که وی شخص فاسد ، قاتل و خونریز بوده که علیه دین برحقى که موسى عليه السلام حامل آن بود اقدام کرد و به قتل و جرح یکتاپرستان شتافت.

صفت دوم : تجاوز به مال مردم

تجاوز به مال دیگران و به غارت بردن و یا سرقت کردن آن در قرآن کریم یکی از اعمال فاسد دیگر است که در وجود مفسدان وجود دارد که قرآن کریم بیانگر آن است و الله تبارک و تعالی در قرآن کریم بارها تجاوز به مال دیگران را حرام دانسته و مورد نکوهش قرار داده است. الله تبارک و تعالی میفرماید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ، وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾¹¹⁵

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید زیرا الله متعال همواره با شما مهربان است ، و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند به زودی وی را در آتشی درآوریم و این کار بر الله متعال آسان است.

در این آیه الله متعال خطاب برای مسلمانان میکند که اموال خود را به شکل باطل یا حرام نخورند.

در آیه دیگر الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾¹¹⁶

¹¹⁵ نساء 29-30

ترجمه : و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و به عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان هم خوب می‌دانید

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي مَوْرَدِ سَرْقَتِ بَرَادِرَانَ حَضْرَتِ يُوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِيْفِرْمَايِد:

(قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ) ¹¹⁷

ترجمه : گفتند به الله متعال سوگند ، شما خوب می‌دانید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده ایم

بنا برآن آیات مبارکه ذکر شده تجاوز به مال دیگران فساد محسوب می‌گردد و شخصی که به این عمل زشت دست بزند فاسد و ظالم شمرده میشود.

صفت سوم : ایجاد وحشت و راهزنی

صفت دیگر مفسدان در روی زمین ایجاد وحشت و راهزنی است که مسلمانان را در وحشت و رعب قرار میدهند و نمی‌گذارند انسان‌ها به آرامش زندگی نمایند ، همواره در پی ایجاد بد امنی است و در راه‌ها و جاهایی که میتوانند به خوبی به مال مردم تجاوز کنند و برای مردم اذیت برسانند مینشینند و راهزنی میکنند که این عمل زشت و ناپسند را الله تبارک و تعالی حرام دانسته و عاملین آنرا به جزای سخت دنیوی و اخروی مجازات مینماید.

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ مِيْفِرْمَايِد:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ، إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ¹¹⁸

ترجمه : سزای کسانی که با دوستداران الله متعال و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف

¹¹⁶ بقره 188/

¹¹⁷ یوسف 73/

¹¹⁸ مائده 34-33/

جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت ، مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست‌یابید توبه کرده باشند پس بدانید که الله متعال آمرزنده مهربان است.

الله تبارک و تعالی به صراحت در این آیه مبارکه رهنی را حرام دانسته است و مرتکب آنرا به سزای سخت و دشوار وعده داده است.

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾¹¹⁹

ترجمه : و میان آنان و میان آبادانیهایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را به اندازه مقرر داشته بودیم در این راهها شبان و روزان آسوده‌خاطر بگردید

و درآیه مبارکه دیگر نیز الله متعال چنین میفرماید:

﴿وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۗ وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ ۗ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾¹²⁰

ترجمه : و بر سر هر راهی منشینید که کسانی را که به الله متعال ایمان آورده اند به مصادره اموال، شکنجه و باج خواهی بترسانید، و از راه الله متعال بازدارید، و بخواهید آن را با وسوسه و اغواگری کج نشان دهید؛ و به یاد آوردید زمانی که جمعیت اندکی بودید، ولی پروردگارتان شما را فزونی داد، و با تأمل بنگرید که سرانجام مفسدین و تبهکاران چگونه بود؟
الله تبارک و تعالی در آیات فوق صفت دیگری را که مفسدین صاحب آن است ذکر میکند ، که رهنی است ، این عمل زشت و غیر انسانی را الله متعال ممنوع ساخته و انجام دهنده آن را به سزای سخت دنیا و آخرت هشدار داده است ، و رهنی را جنگ در مقابل الله و پیامبرش دانسته است.

¹¹⁹ سبأ/18

¹²⁰ اعراف/88

مطلب دوم : صفات اجتماعی

یکی از خصوصیات مسلمان و در کل انسانیت داشتن روابط اجتماعی است و یا به عباره دیگر انسان یک موجود اجتماعی است و نمی تواند روابط اجتماعی در زندگی نداشته باشد . از همین رو زمانیکه در جامعه انسانی روابط وجود دارد فساد نیز خود را وارد میسازد و برخی از مفاسد که از جمله صفات مفسدین و اشخاص فاسد تلقی میگردند ، ذکر میگردند .

صفت اول : قطع صله رحمی

انسان موجودی است که دارای صله رحم میباشد بخصوص مسلمان ها مهمترین خصوصیت ایشان داشتن صله رحم و رفت آمد داشتن با همدگیر و جويا شدن احوال همدیگر از اقارب است که انسان نباید آنرا فراموش کند.

الله تبارک و تعالی میفرماید به خاطر حفظ روابط:

(وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا) ¹²¹

ترجمه : و الله متعال را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید که الله متعال کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی دارد

در آیه دیگر مهربانی میکند:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ ¹²²

¹²¹ نساء/36

¹²² بقره/215

ترجمه : از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند و به چه کسی بدهند بگو هر مالی انفاق کنی به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه مانده تعلق دارد و هر گونه نیکی کنی البته الله متعال به آن داناست.

در آیات فوق الله تبارک و تعالی صله رحم و حفظ روابط و حرمت دیگران و اقارب را بالای انسان لازم میدانند و به آن امر میکند.

در آیه دیگر الله متعال در رابطه به قطع صله رحم و رابطه میان اقارب میفرماید

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾¹²³

ترجمه : پس ای منافقان آیا امید بستید که چون از الله متعال برگشتید یا سرپرست مردم شدید در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید در آیه دیگری میفرماید الله متعال:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾¹²⁴

و آنان که بعد از مؤمنان و نخستین مهاجران ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما با دشمنان جنگیدند، از شمایند؛ و خویشاوندان بنابر آنچه نسبت به برنامه ارث در کتاب الله متعال مقرر شده از دیگران سزاوارترند؛ یقیناً الله متعال به همه چیز داناست.

در آیات فوق الله تبارک و تعالی یکی از صفات دیگر مفسدین را ذکر کرده است که همان قطع صله رحمی میباشد ، و مسلمانان مکلف به داشتن صله رحم و حفظ روابط میان اقارب ایشان میباشد.

صفت دوم : پیمان شکنی

پیمان شکنی و خلاف وعده یکی دیگر از صفات مفسدین میباشد که الله تبارک و تعالی آیات متعدد را در این مورد ارشاد فرموده است و به حفظ آن تاکید نموده است و کسانی که

¹²³ محمد/22

¹²⁴ انفال/75

خلاف وعده و یا خلاف پیمان خود عمل کند مورد نکوهش قرار گرفته است و از جمله منافقین طبق فرموده نبی کریم صلی الله علیه وسلم محسوب میگردد. وجه استدلال از آیات و احادیث مربوط به پیمان شکنی این است که پیمان شکنی بی باوری را در جامعه اسلامی رشد می دهد و بدون شک، عدم اعتماد به یکدیگر در جامعه، شیرازه آن جامعه را از هم می پاشد.

صفت سوم : فریب و خیانت

از صفات دیگر مفسدین و فساد پیشه گان فریب و خیانت است که همواره در قرآن کریم و منابع دیگر شرعی حرام دانسته شده و بر علیه آن پیکار صورت گرفته است.

مبحث دوم : نمونه های مفسدین

در هر برهه از تاریخ فساد وجود داشته است و مفسدین زیادی نیز وجود داشته چه افرادی مشخصی که به فساد مشهور اند و چه ملت هایی که به فساد گرفتار بوده اند وجود داشته است ، بنا برآن در این مبحث میپردازیم به افراد فاسد و جوامعی که اهل آن در کل فاسد بوده اند و طی مطالب جدا گانه برخی از آنان را مورد بحث قرار میدهیم:

مطلب اول : افرادی که به فساد مشهور اند

افراد فساد پیشه در جهان وجود داشته و دارد و از جمله مفسدین مشهور را در این مطلب به معرفی میکیریم:

فرع اول : فرعون

فرعون یکی از فاسد ترین افرادی بود که قرآن کریم از وی یاد آوری نموده و الله لله متعال میفرماید:

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾¹²⁵

ترجمه : و به یاد آرید آنگاه که شما را از چنگ فرعونیان رها نمودیم آنان شما را سخت شکنجه می کردند پسران شما را سر می بردند و زنهایتان را زنده می گذاشتند و در آن امر بلا و آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود.

در آیه دیگری مهربانی میکند:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾¹²⁶

ترجمه : فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه های از آنان را زبون می داشت پسرانشان را سر می برد و زنانشان را برای بهره جستن زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود .

در آیه سوره مبارکه طه الله متعال میفرماید:

﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾¹²⁷

ترجمه : فرعون گفت آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است پس بیشك دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می کنم و شما را برتنه های درخت خرما به دار می آویزیم تا خوب بدانید عذاب کدام یک از ما سخت تر و پایدارتر است .

در آیه دیگرالله متعال میفرماید:

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَنْذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ ۚ قَالَ سَنَقْتُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ﴾¹²⁸

ترجمه : اشراف و سران قوم فرعون گفتند : آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد و تباهی کنند و تو و معبودهایت را واگذارند؟ گفت : به زودی پسرانشان را به

¹²⁶ قصص/4

¹²⁷ طه/70

¹²⁸ اعراف/127

صورتی وسیع و گسترده به قتل می رسانیم و زنانشان را زنده می گذاریم و ما بر آنان چیره و مُسلّطیم.

الله متعال در آیه دیگری نیز میفرماید:

﴿يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾¹²⁹

ترجمه: ای قوم من امروز فرمانروایی از آن شماست و در این سرزمین مسلط هستید ولی چه کسی ما را از بلای الله متعال اگر به ما برسد حمایت خواهد کرد فرعون گفت جز آنچه می بینم به شما نمی نمی نمایانیم و شما را جز به راه راست راهبر نیستیم.

و در آیه سوره زخرف الله متعال میفرماید:

﴿وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾¹³⁰

ترجمه: و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت ای مردم کشور من آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخهای من روان است از آن من نیست پس مگر نمی بینید. این آیه مبارکه بیانگر فساد گسترده و بزرگ فرعون ملعون است که خویشان را خدا میداند و دیگران را به پرستش خود میخواند¹³¹.

با بررسی آیات متعدد ذکر شده چنین نتیجه بدست می آید که فرعون شخصی بود که تنها در یک بخش فساد نمیکرد، هرفسادی که از توانش بر می آمد انجام میداد مانند: ظلم، استبداد، ادعای خدا بودن، ادعای ملوکیت و غیره. که برخی از آیات را در مورد وی ذکر نمودیم.

¹²⁹ غافر/29

¹³⁰ زخرف/51

¹³¹ نخجوانی نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهيه و المفاتيح الغيبية، مكتبة العثمانية تركيه استانبول، 1415 ج 3 ص 312

فرع دوم : نمرود

نمرود علیه لغنة فرد دیگری است که بیشتری فساد ها در وجود وی نهفته بود و ویرا قرآن عظیم الشان منحث شخص فاسد به معرفی میگیرد در اینجا آیات مبارکه را ذکر مینمائیم که نمایانگر فساد نمرود میباشد.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾¹³²

ترجمه : آیا از حال آن کس که چون الله متعال به او پادشاهی داده بود و بدان می نازید، و در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجه میکرد، خبر نیافتی؟ آنکاه که ابراهیم گفت : پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند . گفت : من هم زنده می کنم و هم می میرانم . ابراهیم گفت : الله متعال خورشید را از خاور برمی آورد، تو آن را از باختر برآور . (پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند . و الله متعال قوم ستمکار را هدایت نمی کند در آیه دیگری الله متعال میفرماید:

﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾¹³³

ترجمه : به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند و جزای مکرشان با الله متعال است هر چند از مکرشان کوه ها از جای کنده می شد

و درآیه مبارکه سوره نحل الله متعال میفرماید: ﴿قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾¹³⁴

ترجمه : پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند ولی الله متعال از پایه بر بنیانشان زد

¹³² بقره 258/

¹³³ ابراهیم 56/

¹³⁴ نحل 26/

در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فرو ریخت و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب به سراغشان آمد

و در آیه مبارکه سوره هود میفرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَخَذُ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾¹³⁵

ترجمه: و این گونه بود به قهر گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند به قهر می‌گرفت بلی به قهر گرفتن او دردناک و سخت است.

از آیات فوق برملا می‌گردد که نمرود بن کنعان از انسانهای بود که انواع فسادها را انجام میداده و قرآن کریم به مفسد بودن آن گواه است. اگر چه قرآن کریم به شکل صریح، نمرود را مفسد نخوانده است؛ ولی در منظومه فکری این کلام آسمانی، مقابله با حق، اختیار کفر و ظلم بالای اهل حق، فساد شمرده شده است و به این معنی، نمرود یکی از بزرگترین مفسدین تاریخ بوده است.

فرع سوم قارون.

قارون فرد دیگری است که الله تبارک و تعالی وی را در قرآن کریم ذکر نموده است.

الله متعال مهربانی میکند:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ، وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْفِدِينَ، قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ، فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ، وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَيْكُم ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ، فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ، وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا

مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَانَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١٣٦﴾

ترجمه: قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که الله متعال شادی کنندگان را دوست نمی دارد. و با آنچه الله داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه الله متعال به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که الله متعال فسادگران را دوست نمی دارد.

قارون گفت من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام آیا وی ندانست که الله متعال نسل هایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند ولی این گونه مجرمان را نیازی به پرسیده شدن از گناهانشان نیست ، پس قارون با کوبه خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما هم داده می شد واقعا او بهره بزرگی از ثروت دارد ، و کسانی که دانش واقعی یافته بودند گفتند وای بر شما برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش الله متعال بهتر است و جز شکیبایان آن را نیابند ، آنگاه قارون را با خانه اش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر عذاب الله متعال او را یاری کنند و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند ، و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند صبح می گفتند وای مثل اینکه الله متعال روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند و اگر الله متعال بر ما منت نهاده بود ما را هم به زمین فرو برده بود وای گویی که کافران رستگار نمی گردند.

در آیه دیگری میفرماید الله تبارک و تعالی:

﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ﴾¹³⁷

¹³⁶ قصص 76-82/

¹³⁷ قصص 81/

ترجمه : آنگاه قارون را با خانه اش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر عذاب الله متعال او را یاری کنند و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند.

آیات مبارکه ذکر شده بیانگر فساد های گوناگون قارون میباشد که الله تبارک و تعالی جهت عبرت دیگران این اعمال زشت او و دیگر مفسدان را در قرآن کریم یاد نموده.

مطلب دوم : ملت هایی که به فساد مشهور اند

در مطلب اول از افراد مشخصی که به فساد مشهور بودند ذکر نمودیم در این مطلب برخی از اقوامی که به فساد مشهور اند ذکر خواهیم کرد.

فرع اول : یاجوج و ماجوج

از جمله گروه های یی که در قرآن کریم از آنها یاد شده است، یاجوج و ماجوج می باشند، از آنجا که قرآن کریم تمامی داستان ها را بخاطر عبرت آموزی نقل کرده است لذا در اکثر آنها مخصوصاً داستان هایی که اهمیت کمتری نسبت به سایر داستان ها از قبیل داستان حضرت موسی - علیه السلام - دارند، نهایت اختصار گویی رعایت شده و غالباً به ذکر نامی از آنها اکتفا گردیده است. از این گذر اصل و نسب آنان و این که در کدام منطقه از جهان بوده اند یا از کدام نژاد و قبیله بوده و عاقبتشان چه شده است در پرده ای از ابهام مانده است. لذا بیشتر مفسران و دانشمندان در صدد یافتن جواب این سؤالات برآمده و سخنانی را گفته اند که کمتر می توان به درستی آنها اطمینان پیدا نمود مخصوصاً زمانی که این نظریه ها زیاد بوده و تفاوت های چشمگیری نیز با هم داشته باشند.

در مورد یاجوج و ماجوج نظرات گونا گونی ارائه شده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود.

1. اینان دو قبیله از نوادگان حضرت نوح علیه السلام بوده اند. بدین گونه که یافت پسر نوح به سرزمین های شرقی مهاجرت نموده و در آنجا سکونت گزید و صاحب پنج پسر شد که یکی از آنها اشار نام داشته و فرزندان او یاجوج و ماجوج خوانده می شوند¹³⁸.

¹³⁸الوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی الأوسی، تفسیر روح المعانی، بیروت، داراحیای التراث، چهارم،

2. حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل شده است که یاجوج و ماجوج دو قبیله بوده اند که از حیث شکل ظاهری و جسمانی بسیار بزرگ بوده و با انسان های کنونی تفاوت فاحشی داشته اند اما از آنجائی که حدیث مذکور دارای سند معتبر و متن متقنی نمی باشد، لذا قابل اعتماد نیست.¹³⁹ جالب این است که فخر رازی می گوید، عده ای گفته اند یاجوج و ماجوج در نهایت کوچکی جثه بوده اند¹⁴⁰.

الله تبارک و تعالی در سوره مبارکه یوسف میفرماید:

﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مفسدون فِي الْأَرْضِ فَأَهْلُ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾¹⁴¹

ترجمه: گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا ممکن است مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی.

الله تبارک و تعالی در این آیه قوم یاجوج و ماجوج را قوم فساد پیشه واز جمله مفسدان معرفی نموده.

فرع دوم: قوم لوط علیه السلام

لوط علیه السلام از انبیای الهی مذکور در قرآن کریم می باشد. او که هم عصر ابراهیم علیه السلام و به تعبیر روایات از پیروان ابراهیم علیه السلام است، وظیفه پیامبری نسبت به قوم لوط را بر عهده دارد. از کتب تاریخی بر می آید که خود لوط علیه السلام، اهل قومی که به سوی آن ها فرستاده شده است نمی باشد بلکه فقط در آنجا وظیفه پیامبری را به عهده دارد¹⁴². لوط علیه السلام در رسالت خود، با ۳ ویژگی منفی قوم خود مبارزه می کند: همجنس گرایی، غارت اموال مردم و انجام اعمال ناپسند در مجامع عمومی. هر چند که در قرآن بیشتر

¹³⁹ تفسیر قرطبی ج 11، ص 56.

¹⁴⁰ رازی، فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب=التفسیر الکبیر=تفسیر الرازی، بیروت، داراحیاء التراث، سوم، 1401، ج 21،

ص 170.

¹⁴¹ کهف/94

¹⁴² خزائلی، محمد خزائلی. اعلام قرآن، ناشرامیرکبیر 1392، ص ۵۴۱

مبارزه لوط با همجنس گرایی مردمان قوم خویش است. از آیات قرآن کریم بر می آید که قوم لوط اولین قومی است که به طور گسترده به همجنس گرایی روی آورده است. که این عمل از بزرگترین فسادها میباشد¹⁴³.

فرع دوم : قوم بنی اسرائیل

قوم دیگری که در قرآن کریم به عنوان قوم مفسد و آلوده به فساد یاد شده است قوم بنی اسرائیل است که در عقاید، در معاملات در اخلاقیات در همه امور فساد پیشه بودند که ما در این فرع کوچک آیاتی که در رابطه به این قوم ذکر شده را بیان میداریم.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾¹⁴⁴

ترجمه : و در کتاب آسمانی شان به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست

این آیه مفسد بودن قوم بنی اسرائیل را بیان نمود.

یکی از فسادهای که قوم بنی اسرائیل داشتند عقیده شرک و شریک آوردن به الله متعال بودن که قرآن کریم بیانگر آن است.

الله متعال میفرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۗ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾¹⁴⁵

ترجمه : و یهود گفتند :عزیر، پسر خداست .و نصاری گفتند :مسیح، پسر خداست .این گفتاری بی دلیل و برهان است که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این به

¹⁴³ ثعلبی نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم ، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن ناشر ، دار إحياء التراث العربی، بیروت

لبنان، 1422 ج 20 ص 99

¹⁴⁴ اسرا/4

¹⁴⁵ توبه/30

حقایق کفر ورزیدند، شباهت دارد؛ الله متعال آنان را نابود کند، چگونه از حق به باطل منحرف می شوند.

شرک یکی از وسایلی از که باعث بزرگترین فساد ها در جامعه اسلامی میشود¹⁴⁶.

در آیه الله متعال در رابطه مخالفت بنی اسرائیل با پیامبران شان میفرماید:

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾¹⁴⁷

ترجمه : و چون گفتید ای موسی تا الله متعال را آشکارا نبینیم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد پس در حالی که مینگریستید صاعقه شما را فرو گرفت.

و در آیه دیگر این سوره الله متعال میفرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾

148

ترجمه : و همانا به موسی کتاب تورات را دادیم و پس از او پیامبرانی را پیشتر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تایید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.

بنا برآیات متذکره اقوامی که بر علیه الله متعال و پیامبرانش فساد را پیشه کردند بیان گردید ، ان شالله که همه مسلمانان از فساد و وسایلی که انسان را به فساد سوق میدهد اجتناب نمایند مثل این مفسدین مورد عذاب و عقاب الله تبارک و تعالی قرار نگیرند.

¹⁴⁶ ابن جوزی ، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي) المتوفى 597 هـ، زاد المسير في علم

التفسير ، دارالكتب العربی بیروت ،، 1422 ج 5 ص 32

¹⁴⁷ بقره 55/

¹⁴⁸ بقره 87/

فصل چهارم

روش قرآنکریم در مبارزه با فساد

مبحث اول : اصلاح فساد با تربیت

طوریکه در فصول و مباحث گذشته به طور عمیق و مکمل مطالعه نمودیم فساد یکی از منحوث ترین چیزی است که در جامعه انسانی وجود دارد و یک موضوعی است که شریعت اسلامی آنرا مورد نکوهش قرار داده است.

در کنار اینکه شریعت اسلامی بر علیه آن میباشد ، راه های اصلاح آنرا نیز برای بشریت به معرفی گرفته است و همگان را به آن ها دعوت میکند تا از فساد بدور بمانند و کسانی که گرفتار فساد اند از فساد روگردان شوند.

در این مبحث طی مطالب جدا گانه راه های جلوگیری از فساد را تحریر میداریم:

مطلب اول : دعوت به ایمان آوردن به الله تعالی

دعوت در شریعت اسلامی اصلی که انکار ناپذیر است و تنها دینی است که دعوتش بر پایه های علم استوار است و با دعوت به سوی الله متعال از گسترش فساد در روی زمین جلوگیری صورت میگیرد.

الله سبحانه وتعالی می فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾¹⁴⁹

ترجمه: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت از هر کسی بهتر می داند، چه کسی از راه او گمراه

¹⁴⁹ نحل: ۱۲۵-۱۲۸

شده است و او به هدایت یافته گان داناتر است و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. صبر کن و صبر تو فقط برای الله تعالی و به توفیق اوسبحانه و تعالی باشد و بخاطر کارهای آن‌ها، اندوهگین و دلسرد مشو و از توطئه های آن‌ها در تنگنا قرار مگیر! الله تعالی با کسانی است که تقوی پیشه کرده اند و با کسانی که نیکوکارند.

در رابطه به دعوت اسلامی تبصره مختصری میداشته باشم:

دعوت الی الله در حقیقت دعوت به "لا اله الا الله محمد رسول الله" و دعوت به ایمان به عقیده اسلامی می‌باشد؛ ایمان به الله، ملائک، کتاب های آسمانی پیامبران الله سبحانه و تعالی، ایمان به قضاء و قدر و این که خیر و شر صرفاً از جانب الله سبحانه و تعالی می‌باشد و بس. دعوت الی الله در حقیقت دعوت به کار نمودن در راستای آن چیزی می‌باشد که لازمه چنین ایمانی است، دعوت برای از سرگیری زندگی اسلامی و برای ایجاد دولت اسلامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را در مدینه منوره تأسیس کرده بود؛ دولتی که اسلام را تطبیق، و احکام اسلامی را اجراء، خیر و صلاح جامعه را تأمین و میان مردم عدل و انصاف را پدید می‌آورد.

دولت اسلامی به سرعت در جهان وسعت یافت؛ چنانچه جمعیت مسلمانان امروزه نزدیک به یک چهارم از جمعیت زمین، به حدود ۸.۱ میلیارد مسلمان رسید، سرزمین های اسلامی در امتداد سه قاره معروف گسترش یافت، مسلمانان در سراسر جهان گشت و گذار نموده و هیچ کم و کاستی نداشتند؛ آنچه که امروزه مسلمانان ندارند، دولتی می‌باشد که شریعت الله سبحانه و تعالی را در میان شان تطبیق نموده و تحت حاکمیت اش از همه امور مسلمان‌ها رعایت به عمل آید، از آن‌ها و سرزمین های شان حفاظت و خیر و صلاح شان تأمین گردد؛ دولتی که اسلام را در اقصی نقاط زمین گسترش داده، زمینه و اسباب زندگی تحت سایه شریعت اسلام را برای مسلمانان فراهم کند و اسلام را بار دیگر در زندگی بشریت منحيث یک واقعیت زنده برگرداند. بلی، این است جایگاه مختصر دعوت.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، روشن است که امروزه دعوت در مجرای درست طبیعت خود قرار ندارد. متأسفانه باید گفت بعضی از دعوت‌گران وابسته به دولت‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی، تنها برای خدمت به باداران خود بر اسلوب دعوت متمسک شده و از اصل دعوت غافل می‌باشند؛ دولت‌های که به آن‌ها وابسته می‌باشند، در عوض حکومت بر اساس اسلام، مطابق به سرمایه‌داری استعمارگر و نظام‌های ظالمانه و ستمگرانه حکومت می‌کنند.

در قدم نخست یک دعوت‌گر باید بداند که به چه چیزی دعوت می‌کند و آنچه که دیگران را به آن دعوت می‌کند، باید خود نیز به آن ملبس باشد؛ به این معنی که نباید گفتارش مخالف کردارش باشد، خواه این دعوت‌گر یک شخص و یا دولت اسلامی باشد؛ چون دولت اسلامی در واقع نماینده تطبیق اسلام بوده و باید سیاست‌های داخلی و سیاست‌های خارجی خود را بر اساس عقیده اسلامی استوار سازد.

دعوت الی الله به خاطر شخص دعوت‌گر، قوم، منطقه دعوت‌گر و یا هر شخص و چیزی دیگری نمی‌باشد؛ بلکه دعوت الی الله صرفاً برای الله سبحانه و تعالی و برای دین و رسولش صلی الله علیه و سلم می‌باشد. دعوت‌گر تنها در برابر وظیفه که الله سبحانه و تعالی برایش لازم نموده مسئول بوده و صرفاً برای دین ثابت الله سبحانه و تعالی فرا می‌خواند و بس؛ وی کدام حق و امتیازی ندارد که ادعا نموده و در برابرش در این دنیا مزدی بخواهد، برای خود و خانواده اش خواستار حکومت و یا هرگونه امتیاز دیگری باشد؛ بلکه دعوت‌گر پاداشش را فقط از الله سبحانه و تعالی می‌گیرد.

اسلوب دعوت به حکمت و موعظه حسنه که عبارت از نیکو سخن گفتن و رعایت حال مخاطب و مهلت دادن به آن و خوب گوش دادن به سخنان یگدیگر است تا اعتماد به راست‌گویی در میان آید، هم‌چنان سخن نرم گفتن که بیان‌گر حسن نیت بوده و هدف رسیدن به نتیجه حق را نشان می‌دهد. دعوت‌گر باید از توبیخ، سرزنش و اظهار عیب و کاستی مخاطب، جداً اجتناب کند و باید مناقشه، با آرامش کامل بوده و عاری از حمله نمودن، تحقیر، خشم و فریاد بر مخاطب باشد؛ زیرا هدف از دعوت تنها راهنمای بسوی الله سبحانه و تعالی تحقق

طاعت و حسن عبادت الله سبحانه و تعالی می باشد و نیازی به لجاجت و شدت استدلال نیست؛ بلکه باید مناقشه بر اساس حسن بیان و اخلاص در عمل برای الله سبحانه و تعالی و رسیدن به حق باشد¹⁵⁰.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾¹⁵¹

ترجمه: و اگر عقوبت کردید همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید متجاوز را به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است.

این قاعده قصاص بالمثل است، بدون از زیاده روی در عکس العمل؛ اما با وجود راه حل قصاص بالمثل همان گونه که آیه فوق به آن صراحت دارد، قرآن کریم به عفو، صبر و شکیبایی فرامی خواند؛ زیرا عفو، صبر و شکیبایی در پذیرفتن اسلام و حقیقت، تأثیرگذاری بیشتری بر طرف مقابل دارد نسبت به قصاص بالمثل؛ اما اگر مخاطب بر جهل و سرکشی خویش اسرار داشته و یا بر کفرش پافشاری داشت، در آن صورت سزاوار مجازات میباشد نه از حدود تجاوز صورت گیرد و نه کمی و کاستی در جزای معین آن مجازات خواهد شد؛ مطابق مجازات که ویژه دولت اسلامی می باشد.

دعوت گر برای رسیدن به هدف دعوت اش، نیاز به صبر دارد و صبر است که یاری الله سبحانه و تعالی را در پی دارد، صبر و شکیبایی و کنترل احساسات چیزی نیست؛ مگر استجابتی بر این خواسته الله سبحانه و تعالی:

﴿...وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...﴾¹⁵²

ترجمه: و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است، صبر کن و صبر تو فقط برای الله متعال و به توفیق او تعالی باشد.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾¹⁵³

¹⁵⁰ قشیری ، عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملك القشيري ، لطائف الاشارات (تفسیر قشیری)، الهيئة المصرية العامة

للكتاب - مصر، 2000 م ، ص. 531

¹⁵¹ نحل 126 /

¹⁵² نحل 126-127 /

ترجمه: الله تعالى در کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

الله تبارک و تعالی در مورد کسانی که به الله و رسولش ایمان کامل نمی آورند میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾¹⁵⁴

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید به الله متعال و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب هایی که قبلاً نازل کرده بگروید و هر کس به الله متعال و فرشتگان او و کتاب ها و پیامبران او و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.

در سوره مبارکه یونس الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يُّؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ﴾¹⁵⁵

ترجمه: و از آنان کسی است که بدان ایمان می آورد و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی آورد و پروردگار تو به حال فسادگران داناتر است.

کسانی که به فساد رو می آورند از جمله مومنان نیست و اگر مسلمان است گمراه شده است که باید دعوت علما به شکل حسنه به آنان برسد تا از گمراهی برگردند.¹⁵⁶

از آیات فوق دانسته شد که دعوت یکی از مهمترین راههای اصلاح فساد در جامعه انسانی و اسلامی است که باید علمای اسلام به آن توجه لازم را داشته باشند و به شیوه حسن و نیک به دعوت بپردازند، طوری دعوت نمایند که مفسد از فساد خویش بوسیله سخنان نرم و انگیزه دهنده علما ترک گناه، ترک اعمال خلاف شریعت اسلام را نمایند و به صلاح برگردند صالح شوند.

¹⁵³ یوسف/21

¹⁵⁴ نساء/136

¹⁵⁵ یونس/40

¹⁵⁶ فی ظلال القرآن، ج ۳ ص ۱

مطلب دوم : مراقبت و ذکر الله تعالى

ذکر الله متعال مایه آرامش و اطمینان قلبی است ، ذکر الله متعال تنها راه دوری از شیطان لعین است.

اگر انسان زبان و قلب خویش را ذاکر بسازد ، ماسوای الله متعال فراموشش گردیده و یک شخص صالح به بار می آید، برعکس اگر از یاد الله متعال غافل باشد شیطان وی را احتوا نموده و فاسد به بار می آید¹⁵⁷.

بنا برآن الله متعال در آیات متعددی از قرآن کریم مسلمانان را به ذکر و یاد خویش فرا خوانده است.

الله متعال د رآیه مبارکه سوره احزاب میفرماید:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾¹⁵⁸

ترجمه: مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که الله متعال را به کثرت یاد می کنند الله متعال برای همه آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

در این آیه الله متعال به خیلی موضوعات مهم اشاره نموده یکی از آنها اینست که زمانیکه انسان به اسلام داخل شد و اسلام آورد خاشعانه و خاضعانه به احکام الهی گردن بگذارد و از

¹⁵⁷ بغدادی علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، دارالکتب العلمیه، 1429 ج 3 ص 312

¹⁵⁸ احزاب/35

احکام شریعت اسلامی سرکشی نکند و نیز هم موضوعاتی که در متن آیه مبارکه است را بپذیرد و خود را ملبس به آن بسازد¹⁵⁹.

و در آیه مبارکه دیگر الله متعال مهربانی میکند:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾¹⁶⁰

ترجمه: همان کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد الله متعال آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد الله متعال دل‌ها آرامش می‌یابد.

الله متعال در آیه بعدی چنین مهربانی میکند

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ، وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾¹⁶¹

ترجمه: پروردگارتان را از روی فروتنی و زاری و مخفیانه بخوانید و از آداب و شرایط دعا تجاوز نکنید؛ یقیناً الله متعال متجاوزان را دوست ندارد. و در زمین پس از اصلاح آن به وسیله رسالت پیامبران فساد مکنید، و الله متعال را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت الله متعال به نیکوکاران نزدیک است.

طوریکه در مقدمه این مطلب گفته شده زمانیکه انسان از الله متعال و از ذکرش غافل شود شیطان وی را احاطه نموده و به وی فرمان میدهد.

الله متعال در این رابطه چنین میفرماید:

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾¹⁶²

ترجمه: و هر کس از یاد الله رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد.

¹⁵⁹ مجموعه من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، الهيئة العامة لشئون

المطابع الأميرية، 2014/6/30 ميلادی، ج 8 ص. 185.

¹⁶⁰ رعد 28/

¹⁶¹ اعراف 55-56/

¹⁶² زخرف 36/

در آیات فوق ذکر الله متعال و فضیلت آن ذکر گردید که انسان میتواند بوسیله ذکر الله متعال خویشتن و دیگران را از فساد به صلاح دگرگون سازد.

مطلب سوم : امید به روز آخرت

یکی از راه های دیگر اصلاح جامعه امید داشتن به روز آخرت است که الله متعال مهربانی میکند:

﴿وَالِیَ مَدِیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَیْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاَرْجُوا الْیَوْمَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ﴾¹⁶³

ترجمه : و به سوی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من الله متعال را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید. بدون شک عقیده داشتن به روز آخرت و هر لحظه آخرت و حسابش را مد نظر گرفتن و در رابطه به نعماتی که الله متعال برای صالحین مد نظر گرفته است معلومات داشتن ، باعث میشود تا انسان از فساد دست بکشد و به امور خوب و صالح پیوندد.

مطلب چهارم : تزکیه نفس

تزکیه از ماده "ز- ک - و" و در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و کاستی و ایجاد رشد، برکت و طهارت-ویا به معنای دور دانستن شیء از عیوب و گواهی به پاکی و طهارت آنست¹⁶⁴.

تزکیه به معنای پاک کردن یا پاک دانستن نفس از آلودگی ها به صورت های گوناگون بیش از ۲۰ بار در قرآن به کار رفته و افزون بر آن از کلمات و موضوعات دیگر مرتبط با تزکیه نیز استفاده شده است. در این موارد عمدتاً از مطالبی چون تزکیه هدف از بعثت پیامبران بیان شده است.

¹⁶³ عنکبوت/36

¹⁶⁴ لسان العرب، ج ۶، ص ۶۴،

الله تبارک و تعالی میفرماید: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾¹⁶⁵

ترجمه: پروردگارا در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود شکست ناپذیر حکیمی.

درآیه دیگر الله متعال میفرماید و تزکیه کننده گان را از اهل جنت می شمارد:

﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى﴾¹⁶⁶

ترجمه: بهشت های عدن که از زیر درختان آن جویبارها روان است جاودانه در آن می ماند و این است پاداش کسی که به پاکی گراید.

در آیه دیگر در رابطه به کسانی که تزکیه را پیشه نکرده اند الله متعال میفرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾¹⁶⁷

ترجمه: کسانی که آنچه را الله متعال از کتاب نازل کرده پنهان می دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می آورند آنان جز آتش در شکم های خویش فرو نبرند و الله متعال روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت.

در آیه دیگر الله متعال در مورد درجات و رفعت کسانی که تزکیه پیشه میکنند و عمل صالح انجام میدهند میفرماید:

﴿وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى﴾¹⁶⁸

ترجمه: بهشت های عدن که از زیر درختان آن جویبارها روان است جاودانه در آن می ماند و این است پاداش کسی که به پاکی گراید قرآن کریم در اکثر آیات یکی از عمده

¹⁶⁵ بقره 129 /

¹⁶⁶ طه 76 /

¹⁶⁷ بقره 174 /

¹⁶⁸ طه 76 /

ترین اهداف انبیا علیهم السلام را تزکیه نفس و پاک کردن بشرنفس خود را از آلودگی ها دانسته است؛ از جمله در آیه ۱۵۱ سوره بقره خطاب به مسلمانان می گوید :

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾¹⁶⁹

ترجمه: همان طور که در میان شما فرستاده ای از خودتان روانه کردیم که آیات ما را بر شما می خواند و شما را پاک می گرداند و به شما کتاب و حکمت می آموزد و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد

رستگاری و صلاح در گرو تزکیه نفس میباشد و رسیدن به فلاح اخروی از بالاترین اهداف مؤمنان است که قرآن کریم راه دست یابی به آن را مبارزه با هوای نفسانی و تزکیه نفس ذکر کرده است :

الله متعال مهربانی میکند:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا﴾¹⁷⁰

به تحقیق کسیکه تزکیه را پیشه میکند رستگار است .
و در آیه دیگر نیز در این مورد میفرماید الله متعال:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾¹⁷¹

ترجمه: به راستی که مؤمنان رستگار شدند ، آنانیکه که در نمازشان فروتن اند ، و آنان که از بیهوده رویگردان اند ، و آنان که زکات می پردازند.

آیات متبرکه فوق بیانگر رستگاری و صالح بودن انسان است در صورتیکه تزکیه نفس داشته باشد و از رذائل دوری بجوید ، مسلمانیکه تزکیه نفس دارد و نفس خویش را از ماسوای الله متعال نگهمیدارد و کنترل میکند شخص صالح و فردی است که الله متعال از وی راضی

¹⁶⁹ بقره 151

¹⁷⁰ الشمس 9

¹⁷¹ مومنون 1-4

میباشد و بهشت جاویدان خویش را نصیبش میگرداند و برعکس کسانی که تزکیه نفس ندارند و در پی هوا و هوس هستند و فساد را پیشه میکنند آنان را به آتش سوزان جهنم وعده میدهد و رضایت خویش را نیز الله متعال عاید حالشان نمیگرداند.

مطلب پنجم : امر به معروف ونهی از منکر

موضوع دیگری که انسان در برابر جامعه انسانی دارد و توسط آن فساد به صلاح مبدل میگردد امر به معروف ونهی از منکر است که وظیفه هر مسلمان است. الله تبارک و تعالی در آیات ذیل امر به معروف و نهی از منکر فرموده است و هیچکسی را از این امر مستثنی نساخته است.

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾¹⁷²

ترجمه : آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، ؟
و درآیه مبارکه دیگر میفرماید:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾¹⁷³

ترجمه : و با مردم به زبان خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾¹⁷⁴

ترجمه : و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند
و درآیه دیگر میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾¹⁷⁵

ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از الله متعال پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

¹⁷² بقره 44 /

¹⁷³ بقره 83 /

¹⁷⁴ آل عمران 55 /

¹⁷⁵ آل عمران 200 /

و نیز الله متعال میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾¹⁷⁶

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، چون الله متعال و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آن را اجابت کنید.

و درآیه دیگری الله متعال میفرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾¹⁷⁷

ترجمه: و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از الله متعال و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که الله متعال به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که الله متعال توانا و حکیم است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾¹⁷⁸

ترجمه: در حقیقت، الله متعال به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید. و نیز میفرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾¹⁷⁹

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.

و همچنان الله متعال میفرماید:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾¹⁸⁰

¹⁷⁶ انفال/44

¹⁷⁷ توبه/71

¹⁷⁸ نحل/90

¹⁷⁹ نحل/125

¹⁸⁰ طه/132

ترجمه : و اهل خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش . ما از تو جویای روزی نیستیم ، ما به تو روزی می دهیم ، و فرجام نیک برای پرهیزگاری است .

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾¹⁸¹

ترجمه : شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده اند که به نیکی فرمان می دهید و از ناشایستی باز می دارید ، به الله متعال ایمان دارید .

و در آیه مبارکه دیگر نیز میفرماید :

﴿ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾¹⁸²

ترجمه . : این مؤمنان (همان توبه کنندگان ، عبادت کنندگان ، حمد و سپاس گوینان ، روزه داران ، سفرکنندگان) برای جهاد و تحصیل علم دین (، رکوع کنندگان ، سجده کنندگان ، فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و نگهبانان مرزهای) اصول و فروع دین (خدا هستند ، و بشارت ده این مؤمنان را .

و در آیه بعدی الله تعالی میفرماید :

﴿ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴾¹⁸³

چرا در قرون و اقوام قبل از شما ، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند ؟ مگر اندکی که نجاتشان دادیم و آنان که ستم می کردند از تنعم و کامجویی پیروی کردند و گناهکار بودند و نابود شدند .

﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴾¹⁸⁴

¹⁸¹ آل عمران 121

¹⁸² توبه 112 /

¹⁸³ هود 116 /

¹⁸⁴ حج 41 /

ترجمه : آن کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پای دارند و زکات می دهند و امر به معروف می کنند و پایان همه کارها از آن الله است.

از آیات مبارکه ذکر شده به شکل آشکار معلوم میشود که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه و مسؤولیتی است که الله تبارک و تعالی به دوش هر مومن دانا به علم دین گذاشته است و همه گان مکلف اند تا حسب توان و دانش خویش جهت از بین بردن فساد و منهیات جامعه کمک نماید تا باشد جامعه اسلامی عاری از شر فساد و منهیات داشته باشیم.

مطلب ششم : توبه کردن

الله تبارک و تعالی ذات مهربانی است که باوجود اینگه بندگان سرکشی میکنند و گناه میکنند در روی زمین باعث آوردن فساد میشوند ، بعد از ندامت و توبه کردن آنان را مورد مغفرت خویش قرار میدهد هر چند مرتکب گناه بزرگی هم اگر شده باشند.

کلمه مبارک توبه و مشتقات آن حدود ۹۰ بار در قرآن به صورتهای گوناگون به کار رفته است و در هر مورد به جهتی از جهات مختلف بحث توبه پرداخته شده است . آیات قرآن در مورد توبه را می توان به دسته های زیر تقسیم نمود:

بخشی از آیات قرآن با صراحت به انسان فرمان می دهد که به سوی الله متعال بازگشت نموده و توبه نمایند می فرماید :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾¹⁸⁵

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید پس به سوی الله متعال توبه کنید توبه ای خالص.

﴿تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾¹⁸⁶

ترجمه : همگی به سوی الله متعال باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

الله متعال در مورد بخشش گنهگاران میفرماید ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ

أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾¹⁸⁷ ترجمه : مگر آنهایی که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد

¹⁸⁵ تحریم 7/

¹⁸⁶ نور 21/

¹⁸⁷ بقره 160/

خود را با اعمال نیک (اصلاح نمودند) و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند (من توبه آنها را می‌پذیرم که من توبه پذیر و مهربانم).

اللَّهُ متعال در آیه بعدی میفرماید

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾¹⁸⁸

ترجمه: الله متعال توبه کنندگان را دوست دارد و نیز پاکان را دوست دارد.

و نیز در آیات شوری/۲۵، نساء/۱۶، نصر/۳، حجرات/۱۲، نور/۱۰، توبه/۱۱۸، توبه/۱۰۴، بقره/۳۷ و ۵۴ و ۱۲۸ و غافر/۳ مهربانی و لطف الله متعال شامل حال گنهگاران پس از توبه است که از باب اختصار ذکر نکرده ام.

آیاتی از قرآن کریم توبه را همگانی دانسته و درهای رحمت الهی را به روی همه مردم باز می‌داند.

اللَّهُ متعال میفرماید:

﴿وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾¹⁸⁹

ترجمه: هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: سلام بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هرکس از شما کار بدی از روی نادانی کند؛ سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت الله متعال می‌شود چرا که (آو آمرزنده مهربان است).

آیات سوره های مبارکه مائده/۳۹، آل عمران/۱۳۵، نور/۳۱، زمر/۵۳ نیز همین گونه است.

اللَّهُ متعال در مورد عمل صالح میفرماید:

﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا﴾¹⁹⁰

¹⁸⁸ بقره/222

¹⁸⁹ انعام/54

¹⁹⁰ فرقان/71

ترجمه : و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد به سوی الله متعال بازگشت می کند و پاداش خود را از او می گیرد.

آیات متذکره فوق بیانگر توبه است که الله تبارک و تعالی توبه کننده را می پذیرد و مورد مغفرت خویش قرار میدهد ، زمانیکه مفسدین دست از فساد بکشند و توبه کنند الله متعال آنان را مغفرت نموده و توفیق عمل صالح را نصیب میسازد.

مبحث دوم : اصلاح فساد با مجازات

شریعت اسلامی راه های حل مناسبی را برای اصلاح جامعه اسلامی و انسانی از شر فساد و فساد پیشه گان در نظر گرفته است ، موارد اصلاحی در اباحت و فصول قبلی بیان شد . شریعت اسلامی راه های مناسبی را مد نظر گرفته بودند ولی درکنار آن موضوعات مجازات را نیز مد نظر گرفته تا باشد فساد کننده گان از آن در هراس شوند و به فساد نگرایند ، که این مجازات به دودسته تقسیم شده ، برخی مجازات را الله متعال از خاطر فساد مفسدین در دنیا عاید حالشان میگرداند و دسته دیگر را در آخرت برایشان در نظر گرفته است و مفسدین را مجازات می نماید.

مطلب اول : مجازات مفسدان در دنیا

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم الله متعال مجازاتی را برای فساد کننده گان و مفسدین در دنیا در نظر گرفته است در این مطلب تعدادی اندکی از آن مجازات ها را بیان مینمایم.

موضوع اول : اقامه حدود

جرایم حدود و قصاص در شریعت اسلامی بخاطر آوردن امنیت در جامعه اسلامی میباشد بعضی از دین ستیزان بر شریعت انتقاد میکنند که قصاص کردن و تطبیق حدود ظلم علیه افراد است ولی این سخن آنان از سبب نادانی آشکارا و دور بودن شان ازفهم علوم شرعی میباشد و این سخن شان از حقیقت اسلام دور است ، شریعت اسلامی بخاطر امنیت و ریشه کن سازی فساد و اصلاح مفسدین مجازات را در نظر گرفته است تا مفسدین و ظالمین جزا آنچه انجام داده اند را ببینند و برای خودشان و دیگران مایه عبرت شود تا دیگر به ظلم و فساد نپردازند.

الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾¹⁹¹

ترجمه: و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است باشد که به تقوا گرایید.
الله متعال در این آیه قصاص گرفتن و مجازات گنهگاران را زندگی و حیات برای دیگران تلقی میکند.

و درآیه دیگر الله متعال مهربانی میکند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾¹⁹²

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید در باره کشتگان بر شما حق قصاص مقرر شده آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر دینی اش یعنی ولی مقتول چیزی از حق قصاص به او گذشت شود باید از گذشت ولی مقتول به طور پسندیده پیروی کند و با رعایت احسان خونبها را به او بپردازد این حکم تخفیف و رحمتی از پروردگار شماسست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است.

و درآیه مبارکه دیگر الله متعال مهربانی میکند:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ، فَمَنْ تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾¹⁹³

ترجمه: و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب الله متعال ببرید و الله توانا و حکیم است. ،پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید الله متعال توبه او را می پذیرد که الله متعال آمرزنده مهربان است.

¹⁹¹ بقره 179/

¹⁹² بقره 178/

¹⁹³ مائده 38-39/

آیات مبارکه فوق بیانگر این است که الله متعال برای فساد کننده گان و گنهکاران مجازات را در دنیا تعیین نموده است تا بوسیله آن مجازات دیگران از فساد دست بردار شوند.

موضوع دوم : نابودی و هلاکت

یکی دیگر از مجازاتی که الله متعال در دنیا عاید حال مفسدان و فساد کننده گان گردانیده است نابود شدن آنها و دارایی ایشان و هلاکت ایشان میباشد الله تبارک و تعالی در آیات متعدد قرآن کریم در این مورد فرموده های دارد.

الله متعال میفرماید:

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا﴾¹⁹⁴

ترجمه : و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذران اش را و می داریم تا در آن به انحراف و فساد پردازند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد پس آن را یکسره زیر و زبر کنیم.

و دریه دیگر الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ﴾¹⁹⁵

ترجمه : پس اگر روی برتافتند بگو شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتیم.

و در آیه مبارکه دیگر مهربانی میکند:

﴿وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾¹⁹⁶

ترجمه : و در آنجا برای آنها که از عذاب پر درد می ترسند عبرتی به جای گذاشتیم. طوری که در آیات مبارکه ذکر گردید الله متعال هلاکت ها و نابودی هایی گوناگون را عاید حال کسانی میگرداند که در زمین فساد کنند و به فساد رو آورند.

¹⁹⁴ اسرا/16

¹⁹⁵ فصلت/ 13

¹⁹⁶ ذاریات/37

موضوع سوم : پایان بد ناگوار

عذاب دیگری که الله تبارک و تعالی در دنیا برای مفسدین در نظر گرفته اینست که اخیر زندگی شان را خوار و ذلیل میسازد خاتمه بد برایشان نصیب میکند، زمانیکه مفسد به فساد خویش مشغول باشد یا الله متعال در حال بد ناشایست ناپسند مرگ نصیب اش میکند و الله متعال برای عبرت دیگران وی را در تحت اجرای مجازات مطابق شریعت اسلامی قرار میدهد جزای سخت برایش داده میشود که یکی از آن جزاها عبارت است از مرگ که باعث عبرت دیگران میشود.

الله متعال در مورد جزای راهزنی که یکی از بزرگترین فسادها در روی زمین است میفرماید:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾¹⁹⁷

ترجمه : سزای کسانی که با دوستاناران الله متعال و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

درآیه دیگر الله متعال در رابطه به خاتمه بد فرعون میفرماید:

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾¹⁹⁸

ترجمه : و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس فرعون و سپاهی هایش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند نیست و من از تسلیم شدگانم.

¹⁹⁷ مائده/33

¹⁹⁸ یونس/90

آیات مبارکه فوق بیانگر این است که الله متعال برای افراد فاسد اخیر عمرش را با ذلت و خواری توام میسازد.

مطلب دوم : مجازات مفسدان در آخرت

مجازات را که الله متعال در آخرت برای مفسدان در نظر گرفته است درقرآن کریم ذکر نموده است ، کسانیکه رو به فساد می آورند باید برای آنان علما و دانشمندان اسلامی آگاهی دهند تا باشد از عذاب دردناک دنیوی و اخروی ونیز از فاسد ساختن جامعه اسلامی و انسانی جلوگیری نماید.

موضوع اول : ضایع شدن اعمال

ضایع شدن اعمال مفسدین یکی دیگر از مجازاتی است که الله متعال در آخرت برایشان خواهد داد.

چنانچه الله تبارک و تعالی میفرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾¹⁹⁹

ترجمه : کسانی که به آیات الله متعال کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و دادگستران را به قتل می رسانند آنان را از عذابی دردناک خبر ده ، آنان کسانی اند که در این دنیا و در سرای آخرت اعمالشان به هدر رفته و برای آنان هیچ یآوری نیست.

در آیه فوق و برخی از آیات دیگر قرآن کریم نیز این موضوع را بیان داشته است ، و این جزا را برای فاسدین و کسانیکه فساد را پیشه میکنند در روی زمین مورد مجازات قرار میدهد و اعمال نیکی اگر داشته باشند بوسیله این اعمال زشت و فساد شان به هدر میبرد.

¹⁹⁹ مائده 22-21/

موضوع دوم : محروم شدن از رحمت الله متعال

الله متعال رحمت خویش را برای همه مومن ، مسلمان نصیب نماید . یکی از مجازات سخت دیگری که او تعالی برای مفسدین مد نظر گرفته است ، ترد نمودن از سایه رحمت اش میباشد ، به این معنی که الله متعال مفسدان را در آخرت از رحمت خویش محروم میسازد. طوریکه در آیه مبارکه ذیل میفرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾²⁰⁰

ترجمه : و کسانی که پیمان الله متعال را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را الله متعال به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان را است.

آیه مبارکه فوق به همین دلالت میکند زمانیکه انسانها در زمین به شقاوت و فساد بگرایند آنان را از رحمت خویش محروم میسازد

موضوع سوم : عذاب دردناک

عذاب دیگر و مجازات دیگر اخروی که الله متعال برای مفسدین در آخرت مد نظر گرفته است عذاب درد ناک و سختی میباشد که برایشان میدهد. چنانچه در آیات ذیل الله متعال میفرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾²⁰¹

ترجمه : در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند اگر تمام آنچه در زمین است برای آنان باشد و مثل آن را نیز با آن داشته باشند تا به وسیله آن خود را از عذاب روز قیامت بازخرند از ایشان پذیرفته نمی شود و عذابی پر درد خواهند داشت.

درآیه دیگر که در مطلب قبلی نیز یاد آور شدیم الله متعال میفرماید:

²⁰⁰رعد25/

²⁰¹مائده36/

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾²⁰²

ترجمه : سزای کسانی که با دوستاناران الله متعال و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

و درآیه دیگر نیز میفرماید:

﴿وَإِنْ تَعَجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا أَيْنَآ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾²⁰³

ترجمه : و اگر عجب داری عجب از سخن آنان) کافران(است که آیا وقتی خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود اینان همان کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردن هایشان زنجیرهاست و آنان همدم آتش هستند و در آن ماندگار خواهند بود. بنا برآیات فوق الله متعال برای مفسدین جزای سخت و عذاب درد ناکی در آخرت آماده ساخته است.

آیات در این باب در قرآن کریم به کثرت وجود دارد اما از باب اختصار به همین قدر اکتفاء نمودم.

²⁰² مائده/33

²⁰³ رعد/5

نتیجه گیری

اللہ ذی الجلال را سپاسگذارم کہ بر بندہ پر تقصیر توفیق داد تا این رسالہ را آنچه در توانم بود در رشتہ تحریر در بیاورم و بہ اخیر برسانم.

از این تحقیق کہ در کل در پرتو آیات قرآنی بیان شدہ بہ نتایج ذیل دست یافتم:

- فساد یک اصل نامشروعی است کہ متاسفانہ جوامع امروزی انسانی و اسلامی را تہدید میکند و ہمگان باید دست بہ کار شویم تا از ترویج فساد های گوناگون جلوگیری نمائیم ، وظیفہ ہمہ عالم اسلامی است کہ در مبارزہ و مقابلہ با فساد ہمگام شوند.

- فساد در ہر سطحی کہ باشد شریعت اسلامی ، بخصوص آیات متبرکہ قرآن کریم برعلیہ آن قرار دارد و ہیچگونہ فساد را اجازہ نمیدہد خواہ خورد باشد و یا بزرگ.
- شریعت اسلامی مهمترین راہ اصلاح فساد در جامعہ انسانی را موجودیت امر بہ معروف و نہی از منکر توسط علما و دانشمندان میداند ، زمانیکہ از جامعہ اسلامی دعوت بہ صلاح و امر و نہی برداشته شد بدون شک بہ فساد می انجامد.

- شریعت اسلامی برای کسانیکہ فساد انجام میدہند بعد از دعوت راہ های اصلاحی گوناگون دیگر را بیان داشته است کہ از آن جملہ توبہ کردن ، رو آوردن بہ ذکر اذکار ، بیاد آوردن روز آخرت و حشر ، تعیین جزا های سخت و دشوار برای عبرت آنان و غیرہ را مد نظر گرفته است تا جامعہ انسانی و اسلامی از فساد روگردان بہ صلاح رو آورند.

- بالاخرہ برای کسانیکہ بہ راہ های اصلاحی توجہ نمیکنند ، و از راہ اللہ متعال انحراف میکنند و بہ فساد رو می آورند اللہ متعال آنان را بہ جزای سخت عذابهای متعدد دنیوی و اخروی گرفتار میسازد.

پیشنهادات

از لابلای بحث فساد و مفسدین در قرآن کریم پیشنهاداتی را دریافتم که هر یک آنرا خدمت مراجع مربوط اش بازگو مینمایم.

1. برای امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد مینمایم که اگر خواهان آوردن ثبات و امنیت اجتماعی و ازبین بردن فساد و مفسدین در افغانستان میباشند ، فساد را بوسیله تطبیق جزاهای شرعی چون حدود و قصاص می توان ریشه کن ساخت و در قوانین جزایی افغانستان بر این جزاهای شرعی جا دهند تا فساد از جامعه اسلامی ریشه کن گردد.

2. وزارت محترم حج و اوقاف باید برنامه و سیمینارهای چگونگی دعوت اسلامی را برای علما فراهم سازد.

3. همه علمای اسلامی باید در راستای امر به معروف و نهی از منکر مطابق روش پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مفسدین را به لحن و گفتار خوش به صلاح و رستگاری سوق دهند ، تا جامعه به صلاح بگراید.

4. از تمام اهل علم و دانش صمیمانه خواهشمندم که در در نخست در تغییر خود بکوشیم تا بتوانیم مفید به جامعه واقع شویم و بعدا در راستای دعوت به تخید و صلاح و ریشه کن سازی فساد از جامعه مخلصانه بکوشیم تا جامعه اسلامی ما یک جامعه امن و منزه از هرگونه فساد باشد.

فهرست آیات

- 58, 86 ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
- 66, 86 ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
- 62, 85 ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
- 87, 88 أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ
- 68, 87 إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَصَلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْلِيكَ أَنْتَ عَلَيْهِمْ
- 20, 24, 87 أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدِينَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ
- آ لَانَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ
- 20, 86
- 62, 86 الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ
- 28, 84 الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ
- 67, 85 الَّذِينَ إِنْ مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
- 39, 84 الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
- 86 الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ
- 52, 87 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
- 24, 83 أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِئِكِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا
- 83 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
- 43, 84 إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
- 64, 83 إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
- 36, 84 إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ
- 66, 86 إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ
- 41, 87 إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ
- 68, 84 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ النَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ
- 61, 87 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
- 32, 84 إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا
- 34, 46, 51, 83, 87, 88 إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ
- 36, 88 إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا
- 18, 47, 71, 73, 84 إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ
- 41, 85 أَنَّهُمْ يُفْسِدُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ
- 68, 88 تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ،

- 64, جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى
86
- 63, 83 رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
· 29, ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ
87
- فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ
84
- 30, فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ
87
- فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ
87
- 34, 83 فَحَشَرَ فَنَادَى ، فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى
· 30, 54, 87 فَحَسَفْنَا بِهٍ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ
· 85 فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا
· فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا
84
- 86 فَلَا يَصَدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى
· فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَعِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَا
87
- 20, 83, فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرَ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ
85
- فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ، قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ
86
- فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ
67, 85
- 19, 23, 49, 87, 88 فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
23, 88 فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
· 19, 33, 83, فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ
84
- 88 قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ

· 88

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ

· 17, 85

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ

· 19, 27,

47, 85

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ

· 83

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا

· 85

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

65, 86

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ

53, 86

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَدُونَكَ

38, 87

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ

34, 86

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

· 64,

83

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

67, 86

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطَ الْمُرْسَلِينَ ، إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ

· 87

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطَ بِالنَّذْرِ ، إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا

· 88

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِ

· 84

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

32, 84

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ

· 23

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ

· 86

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

· 35, 86

وَ أَخَذَهُمْ الرِّبَا وَ قَدْنَهُوا عَنْهُ وَ أَكَلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ

· 44, 84

- 69, 84 وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
- 88 وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ
- 87 وَإِنَّ لُوْطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ، إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ
- 86 وَلَا تَطْعُ مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
- 85 وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِىءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا
- 86 وَ لُوْطًا أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
- 85 وَ لُوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
- 87 وَ لُوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ
- 87 وَ لُوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ
- 69, 87 وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا،
- 20, 29, 39, 53, 83, 87 وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ
- 20, 29, 39, 53, 83 وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا
- 42, 85 وَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوَعْدَ الَّذِي
- 34, 87 وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا
- 26, 83 وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
- 51, 85 وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّن آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
- 27, 46, 83 وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ
- 24, 83 وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
- 49, 84 وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
- 50, 88 وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ
- 41, 73, 84, 87 وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ
- 19, 85 وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا
- 60, 86 وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
- 66, 85 وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
- 63, 87 وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
- 66, 86 وَأُمِرَ أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا
- 60, 86 وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ
- 48, 87 وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى
- 51, 86 وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَنْتَرِ مُوسَىٰ
- 37, 46, 84, 87 وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ
- 56, 85 وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ
- 26, 28, 84 وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

- 37, 86 وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ
- 53, 86 وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ
- 21, 56, 85, 86 وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
- 65, 83 وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
- 53, 85 وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ
- 43, 84 وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
- 47, 83 وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ
- 19, 87 وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ
- 44, 86 وَلَا تَقْرَبُوا الرِّئْيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا
- 48, 85 وَلَا تَعُدُّوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوْعَدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ
- 57, 83 وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ
- 70, 84 وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
- 29, 84 وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
- 84 وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ
- 60, 86 وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ
- 84 وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ النُّجْيِ الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
- 39, 83 وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن تَصْدِيقٌ
- 64, 86 وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
- 62, 87 وَمَنْ يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ
- 45, 84 وَمَنْ يُقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
- 40, 61, 85 وَمِنْهُمْ مَّن يُّؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّن لَا يُّؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ
- 52, 87 وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ
- 19, 27, 85 وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا بِالْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
- 43, 83 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ
- 23, 83 وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ
- 42, 44, 83, 84 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا
- 42, 44, 83 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
- 85 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا
- 66, 85 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
- 66, 84 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
- 36, 60, 88 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي
- 68, 86 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا

· 70, 84

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى

· 84

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ

· 41, 45, 47, 86

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

· 43, 84

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً

· 87

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم

· 52, 85

يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا

· 49, 83

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ

· 36, 60, 84

يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

· 85

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ

فهرست احاديث

- 32, - 89 -
- - 89 -
- - 89 -
- - 89 -
- إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى
مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا، فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لُودِدْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ
مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا، فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

فهرست اعلام

- 38, 39, - 91 -, - 94 -
- 26, - 91 -
- 16, - 91 -, - 94 -

جوینی
زمخشری
طبری

فهرست منابع

1. قرآن كريم.
2. ابن-منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، تحقيق: مكتب التحقيق التراث، بيروت، داراحياء التراث العربى، مؤسسه التاريخ العربى، چاپ اول، 1416 ق.
3. الكبيسي، عامر " الفساد و العولمة تزامن لا توأمة " ناشر دارالكتب العلميه بيروت ، چاپ 2005 م
4. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية ، اسماعيل بن حماد الجوهري ، محقق ، احمد عبدالغفور عطار ، ناشر دارالعلم للمبیین ، سال . 1990
5. الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق المرتضى الزبيدي، تاج العروس جواهر القاموس ، ناشر طبعة الكويت چاپ دوم ، 2008 م
6. ابن عبدالبر الاستذكار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار وعلماء الأقطار فيما تضمنه الموطأ من معاني الرأي والآثار وشرح ذلك كله بالإيجاز والإختصار ، ناشر دارالفكر، 1414
7. ابن هشام ، عبدالملك بن هشام ، سيره ابن هشام ، ناشر شركه مكتبه ومطبعة مصطفى مصر 1375هجري
8. الطوطل ، عبدالله بن ابراهيم ،منهج التيسير المعاصر و دراسه تحليليه،، ناشر بيروت لبنان ، سال1311ق
9. ابن كثير أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، تفسير ابن كثير ، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت سال نشر 1419 هجري
10. ابن جوزى ،عبدالرحمن بن على بن محمد بن على بن جوزى ، صيد الخاطر ، دارالكتب العلميه بيروت، 1412
11. الخليل بن أحمد الفراهيدي - عبد الحميد هنداوي، كتاب العين مرتبا على حروف المعجم ، ناشر دارالكتب العلميه ، بيروت، 1424
12. آلوسي ، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي، تفسير روح المعاني، بيروت، داراحياي التراث، چهارم، 1405 ق
13. الزحيلي ، وهبه ، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج ،دارالفكر المعاصر دمشق ،. 1418
14. الحسين بن مسعود البغوي أبو محمد ، معالم التنزيل) تفسير البغوي (، دار طيبة ،. 1409

15. النيسابورى ، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري) المتوفى 850 هـ، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دار الكتب العلميه بيروت ، ، 1416
16. ابن جوزى ، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي) المتوفى 597 هـ، زاد المسير فى علم التفسير ، دارالكتب العربى بيروت ،، 1422
17. آل سعدى ، عبد الرحمن بن ناصر السعدي، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان) تفسير السعدي، (، دار ابن جوزى ،، 1422
18. ابن العربى محمد بن عبد الله بن ابوبكر ، احكام القرآن ابن عربى ، دارالكتب العلمية ف . 1429
19. قشيري ، عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك القشيري ، لطائف الاشارات)تفسير قشيري (، الهيئة المصرية العامة للكتاب - مصر ، 2000 م.
20. نسفى ابو حفص نجم الدين محمد ، مدارك التنزيل وحقائق التأويل) تفسير النسفي، (، دارالكلم طيب ، 1419.
21. ابن عطيه اندلسى عبد الحق بن غالب ، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز) تفسير ابن عطية (، دار ابن حزم ، اضافات و طبع. 2010/1/14
22. ابن هائم شهاب الدين احمد بن محمد، التبيان فى تفسير غريب القرآن ، دارالغرب العربى ، بيروت ،، 1423.
23. الخلو تى ، إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلو تى ، المولى أبو الفداء ، تفسير روح البيان ، دارالفكر بيروت ، اضافات و نشر . 2010/11/14
24. ابن عجيبه ا، أبو العباس أحمد بن محمد بن المهدي بن عجيبة الحسني الأنجري الفاسي الصوفي ، البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد، دكتور حسن عباس زكى ، قاهره ، ، 1419
25. المراغى احمد بن مصطفى، تفسير المراغى ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده بمصر ، 1365 هجرى.
26. أحمد بن إسماعيل الكوراني ، البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد الكورانى ، دار الكتب العلميه ، 1413.
27. بخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، المتوفى 256 : هـ صحيح البخارى الناشر : دار الشعب - القاهرة الطبعة : الأولى، 1407

28. بوطى، محمد سعيد البوطى ، كبرى اليقينيات الكونية ، دارالكتب العلميه ، 1440
29. بيهقى ، ابوبكر ، دلائل النبوه ناشر دار الكتب العلمية، دار الريان للتراث سال1405هجرى
30. بغدادى علاء الدين على بن محمد، لباب التاويل فى معانى التنزيل، دارالكتب العلميه .، 1429
31. تفسير القرآن العظيم ابن كثير ج ٦ ص ٣٣٦، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصارى الخزرى شمس الدين القرطبي) المتوفى671 هـ: (الجامع لأحكام القرآن القرطبي ، ناشر مؤسسه الرساله ،. 1427
32. جرجانى ، علي بن محمد السيد الشريف الجرجاني معجم التعريفات ، ناشر دارالفضيلة ، 2011م
33. جوينى ، لأبي المعالي الجويني، العقيدة النظامية في الأركان الإسلامية ، ناشر المعارف ، 1414
34. ثعلبى نيشابورى ابو اسحاق احمد بن ابراهيم ، الكشف والبيان عن تفسير القرآن ناشر ، دار إحياء التراث العربى، بيروت - لبنان،. 1422
35. خياط عبدالله خياط ، التفسير الميسر خلاصات مقتبسة من أشهر التفاسير المعتمدة ، دارالفكر بيروت ، 1399هجرى.
36. حجازى محمد محمود حجازى ،التفسير الواضح، دار الجيل الجديد - بيروت ،. 1413
37. عميد ، حسن ، فرهنگ عميد ، مؤسسه انتشارات امير كبير ،. 1379
38. سير الاعلام النبلاء ، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي أبو عبد الله شمس الدين، ناشر مؤسسه الرساله ،. 1402
39. سعدى ، عبدالرحمن ، وجوب التعاون بين المسلمين
40. سيد قطب رحمه الله تفسير فى ظلال القرآن ، ناشر دارالشروق ، سال 1398 هجرى، 1978 ميلادى
41. عسقلانى ، أحمد بن علي بن محمد بن حجر العسقلانى شهاب الدين أبو الفضل ، تهذيب التهذيب، ناشر المعارف ، 1327
42. رازى ، فخر الدين رازي، مفاتيح الغيب، التفسير الكبير، تفسير الرازي، بيروت، داراحياء التراث، سوم، 1401 .
43. عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف أبو زيد الثعالبي المكي، جواهر الحسان فى تفسير القرآن تفسير ثعلبى ، ناشر دارالاحياء التراث العربى 1418 . ، 4 جلد.

44. سيوطى ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي ، الدر المنثور فى تفسير المأثور، دارل كتب العلمية،،1431
45. سمرقندى ، نصر بن محمد بن أحمد بن ابراهيم السمرقندي أبو الليث، بحر العلوم) تفسير سمرقندى (دار الكتب العلمية،،1413
46. عكبرى ،عبد الله بن الحسين بن أبي البقاء العكبرى، التبيان فى اعراب القرآن،عيسى البابي الحلبي، 1976م.
47. طبرى ، محمد بن جرير الطبري أبو جعفر جامع البيان عن تأويل آي القرآن الطبري، مكتبة ابن تيمية تصويرا من نسخة دار المعارف الأصلية، 2008
48. فيروز آبادى ، محمد بن يعقوب الفيروز آبادي مجد الدين ،القاموس المحيط ،ناشر مؤسسة الرسالة، 1426 .
49. مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، التفسير الوسيط للقرآن الكريم ، الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، 2014/6/30 ميلادى.
50. نخجوانى نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهيه و المفاتيح الغيبيه ، مكتبة العثمانية تركيه استانبول ، 1415.

خلاصه مبحث به زبان انگلیسی:

Summary of the research

The thesis titled "Corruption and corrupters from the perspective of the Holy Quran" is a thematic research for Master's degree, which contains a preface, introduction, four sections, recommendations, and lists of verses from Quran, Ahadith, and the used sources.

Corruption is an undeniable issue of not only Islamic societies but also an issue of all human societies. Existence of the corruption leads communities to both spiritual and financial crisis. Corruption causes insecurity, poverty, human capital flight and other catastrophic problems.

The holy religion of Islam, as it covers all dimensions of life, thoroughly exposes the obscenity and disgrace of corruption and the corrupt. (Fasad, فساد) which is an Arabic word lexically means decomposition and disintegration and is usually used as a subjective noun. In Persian language, it is interpreted as spoiler or corrosive, its idiographical meaning is the diversion from moderation and getting extremes or recusance. Allah almighty after the articulation of corruption's aduncity expresses the ways to cure and defeat/ fight this ominous phenomenon, and also the mundic/wordly and otherworldly consequence of the doers. Allah almighty designated all the messengers first to consign the monotheism to people and then to amend and uproot the corruption and corrupt. After that, obligated all the scholars- the successors of messengers, good doers/ competence and other apostles to invite people to modify and to do goods. Moreover, he reminisces the days of bygone corrupters such as: Qarun, Nimrod, Pharaoh and others in his holy book as to be a lesson to the Muslims and all human beings.

This treatise includes four chapters which I categorized them to smaller parts. Each part is sectioned to other contents. In the first chapter, I have discussed the generalities, causes and consequence of the corruption. In the second chapter I have explained types of corruption.

In the third chapter, I have imparted the attributes of corrupt and also mentioned some examples of it. And lastly in chapter four, I have described the ways to fight corruption and corrpte which is mentioned in the holy Quran.



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Corruption and corrupters from The perspective of the Holy Quran

(A master's thesis)

Student: Yalda (Haidari)

Supervisor: Prof. Dr. Mohammad Ismaeil Labib (Balkhi)

Year : 2019



پوهنتون سلام
SALAM UNIVERSITY



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master program in Tafseer & Hadith

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Corruption and corrupters from The perspective of the Holy Quran

(A master's thesis)

Student: Yalda (Haidari)

Superrvisor: Prof. Dr. Mohammad Ismaeil Labib (Balkhi)

Year : 2019